

قانون شکنی، سرکوب، شکنجه ابزارهای اجرائی ارتجاع!

● تقض و قبی قانون، ویرگی حکومتی جدا از مردم و بیگانه با خواسته های آنان است!

میدان داری سردمداران ج ۱۰۱۰، در زمینه لگدکوب کردن تمامی دستاوردهای انقلاب ملی - دیکراتیک بهمن ماه مردم ایران، هر روز شمای جدیدی به خود می گرد.

قانون اساسی که یکی از مهمترین ارغمان های این انقلاب است و مهر تأیید ۱۸ میلیون رأی دهنده ایرانی را بر خود دارد - با همه کمی و کاستی هایش - اینک به آماج اصلی یورش راستگرایان وابسته به امپریالیسم و تسلیم شدن بدل شده است. اینان و نوچگان و هر مهای اجرائیشان، با همدستی عوامل امپریالیسم، از دو سو و به گونه های هماهنگ، عملیات تهاجمی خود را سازمان دادند: از یک سو، اجرای قوانین مترقی را ناممکن ساختند، خلاف قانون و بر ضد قانون عمل کردند - و می کنند - هرچ و مرج و خود سوری را، معیار برخورد و تصمیم و اجرا قرار دادند - تسو کویی مطلقاً قانونی وجود ندارد! - و از سوی دیگر، جلوی تدوین و تصویب قوانین بر مبنای اصول مترقی و روح بقیه در صفحه ۲

راه توده

نشریه ماهیانه حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۲۴ آذر ۱۳۶۲ مطالب
۲۵ شماره ۱۹۸۳
سال دوم، شماره ۶۹
پهنا: ۵۰، عرض: ۳۰

آمریکاباد می کارد، طوفان درومی کند

● خلقها پاسخ تاریخی خود را به امپریالیسم خواهند داد

پیاده شدند - همزمان با این عملیات تدارکی نظامی، هزاران سرباز و افسر آمریکائی در مرز های نیکاراگوئه موضع گرفته اند - چنانکه از شولهد بر می آید، این واحد های نظامی، خود را برای اقامت طولانی و شرکت در تجاوز نظامی به نیکاراگوئه آماده می سازند -

بقیه در صفحه ۵

دولت ریگان در نظر دارد با تأمین کنترل سیاسی و نظامی خود بر مناطق کلیدی جهان، تاریخ را به دوران استعماری باز گرداند -

در ماه اوت گذشته و در هفته اخیر نیز، چندین کشتی جنگی آمریکائی به سوی آبهای آمریکای مرکزی حرکت کردند و چندین صد سرباز آمریکائی تحت لوای انجام مانور، در هند و راس

«انتقاد، یافریب»

بحران در حاکمیت ج ۱۰ - روز بروز عمیق تر و گسترده تر می شود - عدم ثبات، پلاتکلیفی و نا - توانی دولت در حل مشکلات اساسی مردم، تورم و گرانی طاقت فرسا، کمبود مسکن، بیکاری، کاهش روز افزون صادرات و افزایش دم افزون، واردات کالا از کشورهای امپریالیستی، فقر فزاینده، روستائیان کم زمین و بی زمین و مهاجرت های گروهی روستائیان تهید ست به شهرها، غسرق شدن بوروکراسی دولت در فساد و رشوه خواری و باند بازی ۰۰۰ بی آمد های اجتناب ناپذیر چرخش به راست بهمن ۶۱ حاکمیت است -

این بحران، با زتاب بحران عمیق نظام کلان سرمایه - داری و بزرگ مالکی و وابسته به امپریالیسم است، که حاکمیت ج ۱۰ سرانجام در بهمن ماه ۶۱ تصمیم قطعی بهتد اوم آن گرفت، بحرانی است از طرف بحران عمومی دنیای سرمایه داری، که همه کشورهای استعمار زد های که بفراموشد سرمایه داری می روند نیز در آن

دست و پامی زنند - جناح های مختلف حاکمیت که در پیدایش و تدویم این بحران هر یک سهمی دارند، می - کوشند به شیوه های خاص خود ظل اساسی اوضاع رقت بار کنونی جمهوری را از مردم پنهان کنند - راستگرایان که برای تسلط هر چه بیشتر بر اهرم های سیاسی - اقتصادی کشور تلاش می کنند، بازگرداندن کارخانه های ملی شده به سرمایه داران، پس گرفتن زمینها از دهقانان و تفویض قدرت مطلق به زمینداران، گشودن پیچ تزریق واردات کالا های امپریالیستی، و عرضه همه کالا های موجود از طریق "کانال های سنتن توزیع" را تنها راه نجات از این بحران معرفی می کنند و می کوشند تحت عنوان "استقرار" روابط اسلامی در جامعه" (سخنرانی اخذ کاشانی، نماینده نطنز، ۲۲/۷/۶۲ کیهان) حکومت " سرمایه " را - با تمامی ابعاد فاجعه آمیز و مخربش - بر ارکان سیاسی - اقتصادی -

بقیه در صفحه ۱۵

«شورای اسلامی کار» یا «شوراهای اسلامی سرمایه»؟!!

مسائل انقلاب و مواضع ما: فرخ نگهدار [بخش سوم]

در صفحه ۸

دولت ترکیه، جان مهاجرین سیاسی ایرانی را در آن کشور به خطر انداخته است!

در صفحه ۱۶

بیتوجهی کمونیست در سلب سرکوب حزب توده ایران، نشانه دور شدن از شعارها و دستاوردهای انقلاب مردم ایران است

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده ای!

قانون شکنی، سرکوب، شکنجه ابزارهای اجرائی ارتجاع!

• نقض و نقی قانون، ویرگی حکومت‌های جدا از مردم و بیگانه با خواسته‌های آنان است!

بقیه از صفحه ۱

مرد می قانون اساسی را سد کرد مانند، بجای آن " اصول " و " مواد " تعیین کننده و مخالف و متناقض با روح و آمجهای انقلاب و قانون اساسی را در " لایحه " ها و " پیش نویس " های ارائه شده و " قوانین " تصویب شده گنجانده مانند و از این طریق مضمون انقلابی اصول مترقی قانون اساسی را به مسخ کشید مانند .

این یورش دو سویه، که از یک مرکز واحد طرح ریزی و به مرحله اجرا در می آید، هدف مشخصی را دنبال می کند : تحمیل قانون سر - نیزه ، تحکیم و تثبیت هر چه بیشتر جور عرب و وحشت و اختناق و سپردن مهار انقلاب از نفس افتاده ، ما به ، به دستان " توانای " سرمایه - داران بزرگ و کلان زمین داران و پاسداران " گننام و با نام سیا " چهره و آموخته " در محیثستان ، تا اولی ها نظام اقتصادی کشور را به آن سو که به سود امپریالیسم جهانی است ، سمت دهند و دومی ها ، هرگونه خواست عدالت جویانه و آزادی خواهانه " مردم را ، بی - محایا سرکوب کنند .

از همین روست که ۵ سال و اندی پس از انقلاب ، لایحه " اصلاحات ارضی مصوبه شورای انقلاب ، " ضد اسلامی " قلمداد می شود ، ملی شدن بازرگانی خارجی (بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی) ، و مسئله محدود کردن مالکیت ها (طبق اصل ۴۹ قانون اساسی) ، بکلی به دست فراموشی سپرده می شود و بسیاری دیگر از اصولی که زیر بنای اقتصادی کشور را تعیین می - کنند پشت در مجلس یا در کمیسیون های مختلف و یا در پرزخ تصمصیم " شورای نگهبان " معطل ماندند .

حقوق و آزادیهای قانونی در مسلخ "قانون جنگل"

امر اجرای قانون اساسی ، در زمینه " حقوق و آزادی های دموکراتیک و قانونی " ، به سرنوشت دردناکی دچار آمده است . حقوقی مانند حق کار ، حق استراحت ، حق تحصیل و سواد آموزی ، حق درمان ، حق تأمین دوران پیری ، حق دوران مادری ، برابری حقوق زنان با مردان در همه " عرصه ها ، حق مسکن و حق تشکیل نهاد های صنفی و شورایی کارگران در واحد های تولیدی و خدماتی و دیگر حقوق دموکراتیک که محتوای زندگی آزاد و انسانی هر شهروندی را می سازد ، به کلی بازچه دست منافق و خواسته ها و نظرات انحصار جویی های جناح های قسدرت -

را به گروگانی افرادی که از دام گریخته بودند ، روانه سلول های تاریک و نور و بی روزن ساختند همه می دانند با اعمال چه شکنجه های موحش جسمی و روانی ، مدرن و سنتی ، از آنان " اقرار " گرفتند و از پشت دستگاه " ارشادی " تلویزیون به نمایش گذاشتند ؛ همه می دانند در جهنم زندان های ج ۱۰ - این کانون های تعلیم و تهذب ، - چه فجایعی به وقوع می پیوند د ؛ - که کندن پوست زندانیان به عنوان پیوند زدن به نقاط آسیب دیده بدن مجروحین جنگی و گرفتن خون آنها تا سرحد بی رمقی و مرگ ، " عطفقت آمیزترین " آنهاست - همه می دانند پدران و مادران سالخورده و نگران این درندگان ، برای کسب کمترین خبر از آنان ، هفته ها و ماه ها از این زندان به آن زندان و از ایس - روابط عمومی " به آن " دفتر مخصوص " پاس داده می شوند و سرانجام هم ناموفق ، به کنسج خانه های سوت و کور خود باز می گردند - همه می دانند ، اکنون تعداد بستگانی که در جستجوی پسر " گمشده " ، دختر " مفقود الاثر " و همسر و پدر و مادر " ناپدید شده " خود هستند ، به صد ها تن می رسد . اکنون ، همه می دانند بهترین توجیه جلادان ج ۱۰ ، در مقام توضیح شهادت کسانی که زیر شکنجه به قتل رسیده اند ، " خودکشی " است .

آری ، این حداعلا پای بندی رهبران ج ۱۰ به قانون و رعایت اصول و مواد قانونی ، از جانب آنهاست ! اینهمه پرهیز از تن دادن به اصول قانونی ، نه تنها بی حرمتی به جان های پائی است که برای به ثمر رساندن انقلاب تنها سرمایه خود را نثار کردند ، نه تنها بی اعتنایی به اراده تعیین کننده مردمی است که خواسته های مردم خود را در قانون اساسی متبلور دیدند و پیسه آن رای دادند ، نه تنها نقش خشن و خود سرانه اصول و معیارهای اخلاقی و انسانی ای است که تعاضی بشریت مترقی و آزاده به آن احترام می گذارد و خود را به رعایتشان موظف می داند ، بلکه نشانه ضعف و فلاکت سیاسی ای هم هست که یسک حکومت جدا از توده مردم و بیگانه با خواست های آنان ، ناگزیر از اعمال آنست ! کسانی که به جای خواست و اراده مردم - که مختصات آن در قانون اساسی تجسم یافته - بر شیوه های پلیسی و سرکوب و ارباب و اختناق تکیه می کنند و ضدیت با قانون و نقی آن را ، به روش " گزیده " و تنها روش ممکن خود بدل ساخته اند ، سرانجام راه به همان جایی خواهند برد که اسلافشان - شاه ملعون و پدرش - و تمامی دیکتاتورهای جهان بدانجا راه یافتند : به قصر گسور لعنت ابدی خلق !

طلب حاکمیت ج ۱۰۱۰ . قرار گرفته است . همه این حقوق پایمال " قانون جنگل " حاکم بر سرنوشت زحمتکشان میهن ما شده است . مسخ مضامین مترقی اصول قانون اساسی ، شگرد آزموده شد های است که سردمداران ج ۱۰ آنرا در مواردی که یاری نقض کردن و نادیده انگاشتن آن اصول را نداشتند ، بکار می گیرند . برای نمونه ، تنها می توان از " طرح تشکیل شوراهای اسلامی کار " سخن گفت که ایس - و اخیراً قانون آن از تصویب مجلس گذشت . حاکمان ج ۱۰ ، از آنجا که در برابر توان و آگاهی و خواست مبرم کارگران مبنی بر داشتن تشکلهای صنفی - شورایی ، خود را ناتوان می بینند ، دست به کار " ساختن " طرحی " زده اند که بکلی با مضمون مترقی اصل ۱۰۴ قانون اساسی بیگانه است .



در این کمر اثر چهاره بود در دفتر آنجا پیش گردان نشاند دست چپه بد پانچون خاری بهادرا بیساک شنبه در فریزان مشعل اندر دست ، آرای طلبی بر لب به درمائی ، عرقی برود کزانیان به نوع بود بهج خون فرو رانده ، لکن اوج بهایان نترسید از به زندان ، تهنید از بهایان

در زمینه " آزادی های سیاسی که در اصول نهم ، بیست و چهارم و بیست و ششم قانون اساسی و ... بر آن تأکید شده ، مطلب ابعاد فاجعه آمیزتری به خود می گیرد . محتوای " شاهکار " ضد قانونی سردمداران ج ۱۰۱۰ که در سرکوب خونین حزب توده " ایران ، شکل گرفت ، امروز دیگر بر همگان روشن است . همه می - دانند این توطئه ننگین ، از چه زمان و به فرمان چه کسی و برای " خوش آمد " و تأمین منافع چه نیروها و به دست و با یاری چه کسان و بسا چه هدفی طرح ریزی شد و به مرحله " اجرا در آمد . همه می دانند چگونه تود های حامی اهداف انقلاب ملی - دموکراتیک ۲۲ بهمن را ، به ضرب زور و جرح و دشنام و تحقیر و توهین و سرب داغ از منازل و بسترهای خود بیرون کشیدند ؛ آنان را از آغوش خانواده های خسود دزدیدند ؛ پاره ای را با تمامی اعضای خانواده - نوزادان شیرخوار ، کودکان ۳ - ۴ ساله - ویرخی

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی مردم ایران ، متحد شویم !

دفاع از حزب توده ایران و ابراز همبستگی با توده ایهای دربند، به شعار مبرم محافل، احزاب و سازمانهای مترقی، بدل شده است!

دانمارک

• سازمان کارگران ترکیه، "انجمن همبستگی با کارگران ترکیه" در شهرهای راندس و آرهوس، "انجمن یونانیان و اتحادیه مردم پاکستان"، طی اعتراضنامه‌ای خطاب به مقامات مسئول ج ۱۰۱۰، نسبت به اعمال بی‌رویه در مورد مبارزین توده‌ای و سایر انقلابیون دربند از جمله چنین فی‌نویسند:

"ضربه مهلک دیگری بر پیکر انقلاب ایران وارد آمده است. نیروهای راستگرا و ارتجاعی، یکی از خواسته‌های دربند، امپریالیسم را به مرحله اجرا در آورده و صدای نیروهای دمکرات و مترقی را در گلو خفه کرده‌اند. اوج این اعمال، دریافت داشت و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده ایران تجلی می‌کند. نتایج این اعمال را باید در گسترش روابط با دولتهای ارتجاعی و به عقب بازگرداندن انقلاب ایران جستجو کرد. ما به نام نیروهای مترقی خارجی، مقیم دانمارک پایمال کردن آزادی، عدم رعایت موازین حقوق بشر و اعمال شکنجه و کشتار انقلابیون را در ایران محکوم کرده، خواسته‌های زیر را مطرح می‌کنیم:

- ۱- قطع فوری شکنجه‌ها (بازجویی می‌تواند تنها با حضور وکیل مدافع انجام شود)
- ۲- برگزاری دادگاه‌های بین‌المللی تحت نظارت حقوق دانان و خبرنگاران
- ۳- اجازه ورود به هیأتی مرکب از پزشکان متخصص و حقوق دانان، به منظور بررسی وضع زندانیان
- ۴- پایان بخشیدن به جو ترور و خفقان و رعایت مواد صرحه در قانون اساسی ج ۱۰۱۰ امر مورد آزادی بیان، قلم و تشکل
- ۵- آزادی کلیه اعضا و هواداران حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و سایر زندانیان سیاسی مترقی

همبستگی اعضا و نمایندگان

حزب کارگر بریتانیا با زندانیان توده‌ای و زندانیان دمکرات ایران

چندی پیش، ۳۸- مین کنگره حزب کارگر بریتانیا، در شهر برایتون با حضور نمایندگان این حزب از سراسر بریتانیا تشکیل شد. در این گرد هم آئی، اعضا و نمایندگان جنبش کارگری، و شعب مختلف حزب کارگر حضور داشتند. اعضا و نمایندگان "کمیته دفاع از انقلاب ایران" با حضور فعال در این گرد همائی، صحنه کنگره

حزب کارگر را به صحنه دفاع از زندانیان توده‌ای و زندانیان دمکرات ایران بدل ساختند. نمایندگان "کمیته دفاع"، در دیدارهای مختلف با اعضای پارلمانی حزب کارگر به شرح اوضاع ایران و لزوم همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای و دمکراتهای دربند پرداختند. در این کنگره ۸۰۰ نفر از اعضای شرکت کننده، اعتراضیه "کمیته دفاع" را مبنی بر محکوم نمودن اعمال غیر انسانی شکنجه، تعقیب و آزار اعضا و هواداران حزب توده ایران و سایر دمکرات های میهن ما امضا نمودند و انزجار خود را از این اعمال فاشیستی و حیوانی علیه این آزاد- اندیشان اعلام کردند.

در میان امضا کنندگان این اعتراضیه اسامی ۳۰ نماینده پارلمان بریتانیا و شخصیت های برجسته‌ای مانند: "تونی بن"، عضو شورای مرکزی حزب کارگر، "مایکل میشر"، نامزد معاونت حزب کارگر و عضو شورای مرکزی این حزب، "جیمی نپ"، دبیر کل اتحادیه "کارگران راه آهن بریتانیا"، دبیر کل اتحادیه "کارگران و مهندسان ساختمانی"، "آلن ساهر"، دبیر کل اتحادیه مهندسان و تکنسین های تلویزیون و نمایندگان بیش از ۶۰ شعبه حزب کارگر و ۱۵ اتحادیه سراسری کارگری به چشم می‌خورد.

نامه اعتراضی ۱۹۶ تن از شخصیت‌های حقوقی آلمان به سفیر ج ۱۰۱۰:

و عده پاسخ به خواست اعزام هیئتی به ایران، هنوز عملی نشده است!

شخصیت‌های حقوقی و سرشناس آلمان فدرال که در کنفرانس "حق، عدالت و فاشیسم" - نوزدهم نوامبر (۲۸ آبان) - شرکت کردند، یکبار دیگر بر خواست اعزام کمیسیونی جهت بررسی وضع زندانیان سیاسی به ایران تأکید کردند. شرکت کنندگان در این کنفرانس که در فرانکفورت بر پا شده بوده، طی نامه‌ای خطاب به سفیر ج ۱۰۱۰ و ارسال آن به این وزارتخانه در برلین، دستگیری و شکنجه میهن دوستان مترقی و مبارز ایرانی را محکوم کرده و از "بی‌اعتنایی" مقامات مسئول سفارت، نسبت به خواست به حق و کلا و مراجع حقوقی آلمان فدرال انتقاد کرد. نامه "راه توده" به دلیل اهمیت جهانی این اقدام، متن کامل این نامه را بنسبه اطلاع خوانندگان خود می‌رساند:

"به سفیر ج ۱۰۱۰ در برلین: ما مدت‌هاست ناظر این هستیم که در ج ۱۰۱۰، دگراندیشان و به ویژه شخصیت‌های مترقی متعلق به گروه‌های اجتماعی مختلف، از جمله سندیکالیست‌ها، هنرمندان و نیز کمو- نیست‌ها - ملیرفم مواد ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹ قانون اساسی ج ۱۰۱۰ (ماده ۲۳): "تفتیش عقاید ممنوع است؛ هیچ کس نباید بخاطر عقیده‌اش مورد تعدی قرار گرفته و مجازات گردد" (مورد پیگرد قرار گرفته، بازداشت و شکنجه می‌شوند.

این امر، اخیرا ابعاد وسیعتری پسه خود گرفته است. حق دفاع زندانیان سیاسی و به ویژه اعضای حزب توده ایران، تحت عنوان "کافران قابل دفاع نیستند"، از آنان سلب گشته است. ج ۱۰۱۰، خواست کمیته‌های همبستگی با زندانیان را مبنی بر دادن اجازه ورود به یک کمیسیون بی‌طرف بین‌المللی به ایران، جهت بررسی وضع زندانیان از نزدیک به عنوان "مداخله در امور داخلی ایران" قلمداد کرده و آنرا رد کرده است. در جمهوری فدرال آلمان، به دفعات از دولت ج ۱۰۱۰ و سفارت آن در برلین خواسته شد (در تاریخ دهم ژوئن - ۲۰ خرداد - هفتم ژوئیه - ۱۶ تیر - و سیزدهم اوت - ۲۲ مرداد -) برای چنین هیأت بی‌طرفی، اجازه روادید برای سفر به ایران، صادر کنند. آن سفارتخانه، در تاریخ هفتم ژوئیه (۱۶ تیر ماه)، در حضور نمایندگان این کمیته، پذیرفت که به خواست آنان مبنی بر اعزام هیأت پاسخ دهنده ولی تا کنون این وعده عملی نشده است. ما، شرکت کنندگان در کنفرانس "حق، عدالت و فاشیسم" مجددا بر خواست خود مبنی بر اعزام هیئتی به ایران، جهت بررسی وضع زندانیان از نزدیک، تأکید می‌ورزیم. ۱۹۶ تن از شرکت کنندگان در کنفرانس که از شخصیت‌های حقوقی و سرشناس آلمان فدرال هستند، زیر این نامه را امضا کرده‌اند.

با گسترش موج همبستگی بین‌المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

"شورای اسلامی کار" یا "شوراهای اسلامی سرمایه"؟!

نقض حقوق صنفی - شورایی کارگران، ویژگی عمده "طرح تشکیل قانون شوراهای اسلامی کار" است!

م ۱۹۰ : شورا با رعایت مقررات نسبت به موضوعات بشرح زیر، نظر مشورتی خود را به مدیریت ارائه می دهد:

الف - ساعات شروع و پایان کار و استراحت و توزیع اوقات کار در هفته.

ب - مود و محل و نحوه پرداخت مزد یا مزایا.

ج - تخصیص مشاغل افراد.

د - تعیین نرخ های کار فردی و پاداش های کارکنان بر اساس قوانین و آیین نامه کار.

ه - ترتیب استفاده فردی یا جمعی کارکنان از انواع مرخصی.

و - اتخاذ تدابیر برای پیش گیری از حوادث و بیماری های ناشی از کار.

ز - تنظیم برنامه و سازماندهی خدمات اجتماعی مربوط به واحد.

ح - تدوین ضوابط استفاده از خانه های سازمانی واحد.

چنانکه که از مواد این بند های مربوط به آن بر می آید، شورا در اجراء و اعمال نظرات خود، هیچگونه نفوذ و اعتباری ندارند. اعضای آن، تنها اجازه دارند در جهت احقاق حقوق حقه کارگران، نظر مشورتی خود را ارائه کنند. بدیهی است که این "نظر مشورتی"، هیچگونه ضمانت اجرایی ندارد. حالیکه "مدیریت" محق است و می تواند بر اساس مواد این "نظر مشورتی" شورا را نادیده انگارد.

۲ - تبدیل نهاد های کارگری به سازمانهای تحت کنترل دولت از يك سو و بدل ساختن آنان به ابزار دست "مدیران" و "کارفرمایان" از سویی دیگر.

طراحان "طرح تشکیل شوراهای" ، بمنظور قانونی کردن نفوذ و تسلط دولت و "مدیران" و "کارفرمایان" بر شوراهای، موادی را تدوین کرده اند که عاملیت مطلق وزارت کار را تثبیت می کند و اجرای بدون قید و شرط نظرات و تصمیمات و برنامه های "مدیران" و "کارفرمایان" و واحدهای تولیدی و... تأمین می نماید.

حضور و دخالت وزارت کار، از همان مراحل اولیه انتخابات "شورا" آغاز می شود. در تبصره ماده ۲ این "طرح" ، در بند مربوط به شرایط انتخاب شوندگان آمده است:

"تشخیص صلاحیت کاندیداهای عضویت در شوراهای اسلامی کار ... به عهده هیأتی مرکب از نمایندگان ۱ - وزارت کار / ۲ - وزارت خانه مربوطه (نفت ، صنایع ، بازرگانی) / ۳ - نمایندگان منتخب مجمع کارکنان می باشد ."

به این ترتیب، تنها افرادی می توانند در "شورا" انتخاب شوند که مورد تأیید وزارت کار و وزارت خانه مربوطه قرار گیرند و رأی نماینده "مجمع کارکنان"، نقش تعیین کننده ای بازی نمی کند. همین جا تصریح می کنیم که نماینده "منتخب مجمع کارکنان" ، الزاماً "کارگر" نیست! چون طبق تبصره م ۱۰ : "کلیه کارکنان شاغل هر واحد در سطوح مختلف، از کارگر تا مدیر "مجمع کارکنان" را تشکیل می دهند." اگر طراحان این "طرح" ، خواستار آن بودند که کارگران در امر تشخیص صلاحیت "انتخاب شوندگان" - یعنی نمایندگان خود - شرکت کنند، می توانستند به راحتی و با افزودن تبصره ای که حضور کارگران را در تعیین صلاحیت کاندیداهای عضویت "در" شوراهای "حتی و ضروری سازد"، به این هدف دست یابند.

م ۲۰۰ : انتخاب شوراهای را زیر نظر وزارت کار، مقرر می دارد، تبصره ۱ همین ماده که تهیه آیین نامه انتخابات را نیز به عهده این وزارت خانه واگذار داشته، مضمون م ۶۰ که "پس از انحلال قطعی شوراهای" ، وزارت کار را "موظف" به اجرای "انتخابات شورای جدید" ساخته، تبصره م ۲۲۰ که تعیین حسدود و شمول موضوع این قانون را به تشخیص این وزارت خانه محول کرده، م ۲۳ و تبصره م ۳۰۰ که وزیر کار را تنها مرجع صلاحیت دار تصویب آیین نامه موقت شوراها دانسته، و ۴۰۰ همگی در جهت تثبیت عاملیت مطلق وزارت کار و تبدیل نقش "شوراهای" ، به عنوان نهاد های دولتی تدوین شده است. به این ترتیب نقش کارگران و انجمن های صنفی آنان - که قانوناً باید تمامی این امور زیر نظر آنان صورت گیرد - بکلی نادیده و باز پس گرفته می شود.

مغایرت این مواد با اصل ۱۰۴ قانون اساسی، به خوبی روشن است. این اصل تنها در حدود تدوین "چگونگی تشکیل این شوراهای و حدود وظایف و اختیارات آنها" ، به مراجع قانونی اختیار می دهد و پس در حالیکه تصویب کنندگان این "طرح" ، وزارت کار را "مقتل معروف" - همه کاره - ، و کارگران و نهاد های صنفی - طبقاتی آنان را "هیچ کاره" دانسته است! میزان دخالت و "قدرت" تصمیم گیری و اجرایی "مدیران" و "کسار" بقیه در صفحه ۱۴

در ادامه، بخشی که در شماره ۶۷ "راه توده" "بیرامون" طرح تشکیل شوراهای اسلامی "کار آغاز کردیم، اینک به بررسی ویژگی های دیگر این "طرح" می پردازیم.

قبل از هر چیز باید گفت: "طرح تشکیل شوراهای اسلامی کار" در ۴ فصل و ۳۵ ماده - به انضمام بندها و تبصره های افزوده شده بر این مواد - تدوین شده که در جلسات علنی و اواخر مهرماه مجلس به تصویب نمایندگان رسید و اکنون به

"شورای نگهبان" سپرده شده تا نظر نهایی خود را اعلام دارد.

مضمون کلی این فصل را که به "کلیات" / "وظایف و اختیارات شورای اسلامی کار" / "شورای اسلامی کار منطقه" / "شورای عالی اسلامی کسار" / "تصمیم شده" می توان در ۳ ویژگی زیر خلاصه کرد:

۱ - مخدوش کردن مرز بین نهاد های صنفی - طبقاتی کارگران و ارگان های شورایی آنان، که در نهایت به نقض اصل ۲۶ قانون اساسی - که بر تشکیل "انجمن های صنفی" کارگران تأکید دارد - می انجامد.

۲ - تبدیل نهاد های کارگری به سازمانهای تحت کنترل دولت از يك سو و بدل ساختن آنان به ابزار دست "مدیران" و "کارفرمایان" از سویی دیگر، تا سیطره آنان را بر سرنویشت کارگران تأمین کند.

۳ - منسوخ و تهی ساختن مضمون مرقی و اصل ۱۰۴ قانون اساسی که اتفاقاً این "طرح" گویا به منظر تحقق بخشیدن بدان و با الهام از محتوی آن تدوین شده است!

اصل ۱۰۴ قانون اساسی تصریح می کند:

"به منظور تأمین قسمت اسلامی و همکاری در تهیه برنامه و ایجاد هم آهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شوراهای مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها، شوراهایی مرکب از نمایندگان اعضا این واحدها تشکیل می شود.

چگونگی تشکیل این شوراهای و حدود وظایف و اختیارات آنها را قانون معین می کند."

چنانکه از مفاد این اصل پیدا است، حق شورایی کارگران، حاوی مشارکت در نظارت و اداره واحدهای تولیدی - خدماتی و... به صراحت و روشنی تمام در قانون اساسی، انعکاس یافته و رسمیت پیدا کرده است.

حال ببینیم طراحان "طرح تشکیل شوراهای" ، چگونه مضمون مرقی این اصل را به مسخ کشیده و در مغایرت با آن، چه میایدی را به تصویب رسانده اند. برای این منظور به بررسی تک تک ویژگی های عمده این "طرح" می - پردازیم:

۱ - مخدوش کردن مرز بین نهاد های صنفی - طبقاتی کارگران و ارگان های شورایی آنان و نقض اصل ۲۶ قانون اساسی.

تشکل ستیزی و خصومت کور با نهاد های صنفی - طبقاتی کارگران مسئولین ج ۱۰۱۰، امری نیست که نیاز به اثبات داشته باشد. آنان، بلافاصله پس از انقلاب، مخالفت با این نهاد های طبقاتی را که بطور عمده وظیفه دفاع از منافع و خواسته های صنفی کارگران را به عهده دارند، ساز کردند و برای بی اعتبار ساختن آنها، جلوگیری از تشکیل و "منحله" اعلام کردن سندیکاهایی که با خواست و به دست کارگران بر پا شده بود، از به کارگیری هیچ ترغیب و دستاویزی مضایقه نکردند. در "طرح تشکیل شوراهای" ، نیز، زمینه اعمال همان سیاست خصومت - آمیز فراهم آمده است. طراحان این "طرح" ، با گنجاندن موادی که قانوناً مجز و وظایف "انجمن های صنفی کارگران" - اصل ۲۶ قانون اساسی - است، در چارچوب وظایف "شوراهای" عملاً محل های نقض اصل ۲۶ قانون اساسی را تدارک می بینند. بدین ترتیب تدوین کنندگان این "طرح" ، با یک تیر دو نشان می زنند: هم خواسته های صنفی - طبقاتی کارگران را - که در سالهای اخیر عمدتاً توسط مجمع عمومی شوراهای کارگری - مطرح می شود و می شود - بدون پشتوانه اجرایی می گذارند و هم کارگران را از تشکیل های صنفی - طبقاتی خود محروم می سازند.

موادی که چنین معنایی را در بر می گیرند عبارتند از:

- بند م ۱۳ (در شرح وظایف و اختیارات) شورا... بررسی شکایات کارکنان در مورد نارسائیهای واحد و پیگیری موارد حقه.

- بند م ۱۲ : تلاشی در جهت گسترش امکانات رفاهی و حفظ حقوق قانونی کارکنان واحد.

آمریکاباد می‌کارد، طوفان درومی کند

• خلقها باسخت تاریخی خود را به امپریالیسم خواهند داد

بقیه از صفحه ۱

خلیج فارس - صحبت شده بود • واقعیت اینست که آمریکا، هم پیمانان ناتوی خویش را به ماجراجویی های نظامی خود کشانده است • مدخله فرانسه در چاد، شرکت دادن واحد های نظامی انگلیسی، فرانسوی و ایتالیایی در "نیروهای نظامی چند ملیتی" در لبنان و حضور رزم ناوهای این کشورها در سواحل لبنان موعید این امر است • رزم ناو عظیم انگلیسی "اینویسیپل" نیز در کنار رزم ناوهای آمریکایی به سوی آبهای خلیج فارس روان شده ماند • طبق نوشته "روزنامه پارسی" "ماتن"، آمریکا برای اجرای نقشه های خود در این منطقه نیز به کمک عضو دیگر ناتو، فرانسه،

تجاوز بعدی آمریکا قرار خواهد گرفت، معمای بزرگی نیست • هر کشوری که در برابر امپریالیسم سلطه جویانه آمریکا مقاومت کند می تواند هدف بعدی تجاوز او باشد •

تمام مناطقی که رنجهای آمریکایی در آن پیاده شوند، به "مناطق پیشروی" دیگری بدل خواهند شد، که می توانند علیه اتحاد شوروی، دوستان و هم پیمانان آن مورد استفاده قرار گیرند • آمریکا می تواند از این مناطق برای دامن زدن به تشنج بین المللی و یا تحریکات آگاهانه در گریه های منطقه ای استفاده کند • این خطر را همواره باید در نظر داشت •

ژنرال راجرز، سر فرمانده نیروهای ناتو

تفنگداران آمریکایی مستقر در لبنان نیز زمینۀ اقامت (اشغال) طولانی تر را - فعلا و بطور رسمی ۱۸ ماه، تدارک می بینند • یکی از فرماندهان این نیروها اظهار داشته است که این سربازان برای "بی کار نشستن" مزد نمی گیرند • آنان منتظر فرمان شروع عملیات جنگی اند • رزم ناوهای آمریکایی که در سواحل لبنان تجمع کرده اند، آماده ماندن تا هر لحظه که سیاستداران این کشور تشخیص دهند اوضاع در لبنان به سود آنان نیست، عملیات جنگی علیه لبنان و کشورهای همسایه آن بویژه سوریه را آغاز کنند •

جوزف کوربا، رئیس آژانس امنیتی آمریکا، در اوائل سال جاری گفته است:

" نتیجه ای که در لبنان حاصل شود کم اهمیت تر از خلیج فارس است • چه این منطقه یکی از مراکز ثقل سیاسی جهان به شمار می رود •

چنانکه روشن است این ارزیابی نواستعماری در رابطه با خلیج فارس، نحوه عمل و هدف سیاست امپریالیسم آمریکا را در منطقه خلیج فارس تعیین می کند • در ماه اکتبر، یک ناوگروه

که چند ناو هواپیمابر نیز در بین آنان بود به سوی این منطقه حرکت کردند • علاوه بر آن دو هزار تفنگدار آمریکایی نیز، به سوی خلیج روانه شدند • "خطر توسعه" جنگ سه ساله بین ایران و عراق، بهانه بسیار سهل الوصولی برای انجام این کار بود • جنگی که اغلب ناظرین بر بی معنی بودن آن اذعان دارند و تأکید می کنند که در جهت نقشه های آمریکا برای تغییر جغرافیای سیاسی خاورمیانه و تأمین کنترل خود بر آن سیر می کند •

آمریکاییها، استراتژی مشابهی را در قبال شبه قاره هند پی می گیرد • بلافاصله پس از پایان "گشت و گذار" و این برگرد و هند و کشورهای همجوار آن، ستاد ارتش پاکستان،

واحد های نظامی خود را در مرزهای هند افزایش داد • چنانکه از نقشه های جنگی منتشر شده در مطبوعات آمریکایی بر می آید بخشی از مناطق مرزی هند، در شعاع همسلسل ستاد فرماندهی مرکزی نیروهای مداخله سریع قرار دارد • این نیروها که تمامی مناطق مجاور اقیانوس هند را نشانه گرفته اند، به سلاحهای اتمی انبار شده - از جمله در جزیره "دیگو گارسیا" مجهزند •

با توجه به اینکه آمریکا، در نظر دارد این منطقه را در درگیری های "شرق و غرب" وارد سازد - و مشتعل بودن منازعات منطقه ای بین کشورها، این امکان را به خوبی در اختیار او قرار می دهد - درجه خطری که خلقهای منطقه را تهدید می کند آشکارتر می گردد •

این مسئله که کدام نقطه از جهان هدف

با توجه به اینکه آمریکا، در نظر دارد این منطقه را در درگیری های "شرق و غرب" وارد سازد - و مشتعل بودن منازعات منطقه ای بین کشورها، این امکان را به خوبی در اختیار او قرار می دهد - درجه خطری که خلقهای منطقه را تهدید می کند آشکارتر می گردد •

این مسئله که کدام نقطه از جهان هدف

با توجه به اینکه آمریکا، در نظر دارد این منطقه را در درگیری های "شرق و غرب" وارد سازد - و مشتعل بودن منازعات منطقه ای بین کشورها، این امکان را به خوبی در اختیار او قرار می دهد - درجه خطری که خلقهای منطقه را تهدید می کند آشکارتر می گردد •

این مسئله که کدام نقطه از جهان هدف

با توجه به اینکه آمریکا، در نظر دارد این منطقه را در درگیری های "شرق و غرب" وارد سازد - و مشتعل بودن منازعات منطقه ای بین کشورها، این امکان را به خوبی در اختیار او قرار می دهد - درجه خطری که خلقهای منطقه را تهدید می کند آشکارتر می گردد •



تفنگداران آمریکایی در حال پیاده شدن در گرنادا!

امیدوار است • برای آمریکا و هم پیمانانش در ناتو، عاقبت کاربرد مکانیسم پیمان نظامی که شعاع عمل آن در اروپا صحنه برخورد نیروهای عمده "شرق و غرب" را نیز در بر می گیرد، روشن است • چنین عملی، امنیت بین المللی را به خطر می اندازد • این فعالیتها، درست در لحظه ای انجام می شود که اوضاع در اروپا هر لحظه

متشنج تر می گردد • زیرا واشنگتن در نظر دارد به هر قیمتی که شده موشکهای پرشینگ ۲ و کروز را که استقرار آنها این روزها آغاز شده است - نصب کند • هدف نظامیگران آمریکایی و سمگیری عمومی آنان در جهت ادامه مسابقه تسلیحاتی، عملکرد جهانی واشنگتن را نمایان تر می سازد • آنان تنها در پی اجرای طرحها و نقشه هایی هستند که به استراتژی عمومی امپریا - لیسم آمریکا جامه عمل ببوشاند • استراتژی ای

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

در اروپا، چند سال قبل، پیشگویی کرده بود که "اگر جنگ جهانی دیگری بوقوع بپیوندد، احتمالا در محور خاور نزدیک - خلیج فارس - اقیانوس هند آغاز خواهد شد" • این "پیشگویی"، افکار پشت پرده ای را بازگو می کند که دولت ریگان هر از چندگاهی به طرق گوناگون تکرار می کند •

هدف این دکترین امپریالیستی چیست؟

طبق دکترین پنتاگون، هر "جنگ منطقه ای" می تواند، آتش مخاصمات را در صحنه های دیگر جهان که به نوبه خود، در حال منازعه اند شعله ورتر سازد و هدف جنگ افروزان، و تشنج فزاینده آمریکا را تأمین کند • در اوائل سال جاری، سناریوی موجزی منتشر شد که در آن از بسیج تدریجی و عمومی کشورهای ناتو، با توجه به تمام عواقب آن، در صورت بروز یک درگیری در

مرگ بر امپریالیسم جهانخواه آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان

بیانیه حزب کمونیست بریتانیا:

سرکوب حزب توده ایران، نشانه دور شدن از شعارها و دستاوردهای انقلاب مردم ایران است

در سی و هشتمین کنگره حزب کمونیست بریتانیا که از ۱۲ تا ۱۴ نوامبر ۸۲ در لندن برگزار شد، بیانیه‌ای پیرامون اوضاع ایران و یورش ناسا - جوانمردانه به حزب توده ایران صادر شد. متن این بیانیه چنین است:

" این کنگره یورش مقامات دولتی ج ۱۰۱۰ به اعضا و هواداران حزب توده ایران و دیگر نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک را شدیداً محکوم می‌کند. ما معتقدیم که این بی - گرد ها و تضییقات نشانه دور شدن از شعارها و دستاوردهای انقلاب فوری (بهمن) ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) است. حزب توده ایران در جهت دفاع از استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در ایران پیگیرانه پیکار کرده است. ما از مقامات مسئول ایرانی می‌خواهیم که تمام

رفقای توده‌های در بند و دیگر نیروهای پیشرو را که قانون شکنانه بازداشت شده‌اند آزاد سازد. ما همچنین خواستار آنیم که به سازمان ملل متحد، ضلیب سرخ بین‌المللی، و دیگر سازمان ها و نهاد های شناخته شده بین‌المللی این اجازه داده شود تا با تمامی زندانیان سیاسی ملاقات کرده و از وضع سلامت و محیط زندان با خبر شوند.

ما بار دیگر بر همبستگی خود با حزب توده ایران تأکید می‌ورزیم و تمام دمکراتها و رهروان جنبش کارگری را دعوت می‌کنیم تا با اسلام همبستگی با این حزب از فعالیت‌های دفاعی کیه دفاع از انقلاب ایران پشتیبانی کنند و به آن یاری رسانند.

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به

سی و هشتمین کنگره ملی حزب کمونیست بریتانیای کبیر

رفقای گرامی :

اجازه دهید، تا به نام کمیته مرکزی حزب توده ایران و همه اعضا و هواداران حزب، درود های آتشین خود را به شما تقدیم دارم و پیروزی شما را در امر تدوین استراتژی و تاکتیک حزب پرافتخارتان برای دوران آینده خواستار شوم.

به هنگامی که طبقه کارگر بریتانیا با یورش همه جانبه امپریالیسم و ارتجاع این کشور روبروست و محافل سرمایه داری بریتانیا، هر چه بیشتر در راه باز پس گرفتن حقیق حقه زحمت - کشان تلاش می‌ورزد، وظایفی بس خطیر در برابر کمونیست های بریتانیا قرار می‌گیرد. ما اطمینان قاطع داریم، که حزب کمونیست بریتانیای کبیر، همگام با دیگر نیروهای صلح جو، ضد بورژوازی و مترقی بریتانیا، همچون سد استواری در برابر دسیسه های آزمندانانه و سود افزایانه طبقات استثمارگر خواهد بود. ما به ویژه برای جنبش شکوفان صلح بریتانیا، که با تظاهرات توده‌های خود طبقه توطئه‌های نظامیگرایانه امپریالیسم آمریکا و پیمان تجاوز کار " ناتو "، از جمله و به خصوص استقرار موشک های میان برد هسته‌ای آمریکا در اروپا، به پیکار برخاسته است، ارج فراوان قائلیم.

در ادامه این پیام با اشاره به اوضاع کنونی ایران و چرخش به راست در حاکمیت ج ۱۰۱۰ گفته شده است:

" اکنون، به اعتراف محافل رسمی، نزدیک به ده هزار توده‌های، در سیاه چاله‌های ج ۱۰۰ بسر می‌برند و کوچکترین خبری از آنها نیست. رژیم ج ۱۰۰ به کمک کارشناسان " سیا " و " اینتلیجنست سرویس " و به دست ساواکی‌های شاهنشاهی،

توده‌هایها و دیگر انقلابیون ایران را مورد سباحتن ترین شکنجه‌های جسمی و روانی قرار می‌دهد و برای پرده پوشی جنایات خود بسه مضحک‌های تلویزیونی با اصطلاح " امتزافات " دست می‌یازد. حاکمیت ایران می‌کوشد، تا با وارد ساختن اتهام واهی " جاسوسی " به اعضای حزب ما، مغازه‌ها و معامله‌های روز افزون خود را با کشورهای امپریالیستی ژاپن اروپای غربی، از جمله بریتانیا، و حتی ایالات متحده آمریکا - مستتر سازد. از سوی دیگر، شوروی ستیزی اکنون به یکی از رکن های اساسی سیاست خارجی ج ۱۰۱۰ بدل شده است.

در پایان پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کنگره برادر آمده است:

" ما این فرصت را غنیمت می‌شمیریم و ضمن سپاسگزاری فراوان از پشتیبانی حزب کمونیست بریتانیای کبیر از مبارزات حزب توده ایران در گذشته، از کمونیستها و دیگر نیروهای مترقی بریتانیا خواستاریم، تا همبستگی خویش را بسا پیکارگران توده‌های هر چه بیشتر ژرفش بخشند و نگذارند، که هزاران توده‌های سرکوب، شکنجه و اعدام شوند.

رفقا!

آزادی توده‌هایها و دیگر زندانیان سیاسی انقلابی را طلب کنید!

ما به نوبه خود، خواهان تعمیق هر چه بیشتر مناسبات میان حزب توده ایران و حزب کمونیست بریتانیای کبیر، بر پایسه مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، هستیم.

پیروز باد سی و هشتمین کنگره ملی حزب کمونیست بریتانیای کبیر!

نامه خوانندگان

نامه‌ها و اشعار زیادی به " راه توده " می‌رسد که متأسفانه به علت کثرت مطالب و محدود بودن صفحات این هفته نامه، انعکاس تمامی آنها ممکن نیست. از این رو، ما همواره کوشید ما یسبم حداقل - دریافت این نامه ها و اشعار را به اطلاع خوانندگانمان برسانیم.

در باره مقالاتی که برخی از خوانندگان " راه توده " برای ما ارسال می‌دارند، یادآوری این نکته لازم است که با توجه به مضمون و پاسخگویی مطالب آنها به مسائل میرم روز، در صورت همه سویه و مفید بودن به چاپ خواهند رسید. بهرحال، پاره‌ای از نکته‌ها، آمار و فلکت های این نوشته‌ها، در مقالات جداگانه‌ای مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

عکس‌ها و نقاشی‌ها و پوسته‌هایی نیز که به دفتر تحریریه می‌رسد، به تناوب و با توجه به محتوای آن‌ها در صفحات گوناگون " راه توده " به چاپ می‌رسند. با تشکر از تمام رفقا و دوستی که با ارسال مطلب، شعر، نامه و نقاشی به فنی - تر شدن محتوای " راه توده " یاری می‌رسانند، به تعدادی از نامه‌های رسیده پاسخ می‌دهیم:

- دوست عزیز کمیها گر، از اینکه محبت کسره اشعار و دو بیت‌های تازه و قدیمتان را برای " راه توده " فرستاد ما یدم تشکریم.
- دوست عزیز وارطان، نامه محبت آمیز شما نسبت به حزب توده‌های، به " راه توده " رسید. ما نیز معتقدیم که " حزب ما از این آزمایش تاریخی نیز به همت نسل جوان توده‌های و پاکار بست تجربه سالها رنج و پیکار، سر بلند بیرون خواهد آمد.

- دوست عزیز از ایتالیا، نقاشی هایتان را که با عنوان " آن رده‌ها کجا و این هدیه‌ها کجا " برای ما ارسال کرده بودید رسید.
- دوست عزیز بهرنگ از انگلستان، شعر شما به حزب توده ایران " که با بیت " نگبرد شعله مشعل خموشی / که آن را زندگی خواهد فزونی " پایان می‌یابد رسید.
- دوست عزیز م. ق از هندوستان، مطالبی که برای " راه توده " ارسال داشته بودید به دست ما رسید.
- دوست عزیز م. سنگالی، از برلن غربی مقاله‌ای که پیرامون جنگ ایران و عراق برای " راه توده " نوشته بودید رسید. به مستدل بودن مقالاتی که می‌نویسد توجه بیشتری بکنید. با آرزوی موفقیت شما!

توجه

به علت کمبود جا و تراکم مطالب، درج بخش اعظم پیام های همبستگی سازمانها و محافل مترقی و دمکرات بین‌المللی و نیز مقالات رسیده را به شماره آینده موکول می‌کنیم.

احزاب کارگری جهان، سالگرد چهل و دومین سال تشکیل حزب طبقه کارگر ایران را گرامی داشتند

در مراسم با شکوهی که شنبه ۱۲ نوامبر در لندن برگزار گردید، صد ها نفر از کمونیست ها، افراد مترقی و نمایندگان احزاب برادر در انگلستان یکبار دیگر همبستگی پر شور خود را با حزب توده ایران اعلام کردند.

در ابتدای این مراسم، نماینده سازمان هواداران حزب توده ایران در بریتانیا ضمن تشکر از حضار و عرض تبریک ۴۲-مین سالگرد حزب توده ایران به تشریح اوضاع ایران و چگونگی حمله ارتجاع به حزب توده ایران پرداخت و در پایان از ابراز همبستگی پرشکوه سازمانها و احزاب مترقی با حزب توده ایران تشکر کرد. سپس پیام کمیته مرکزی حزب

استعمار " لیبرشن " را به اطلاعات برسانم . . . پرچم پرافتخار حزب توده ایران بجای ولایتی در جنبش کارگری و کمونیستی جهان دارد که نتیجه مبارزه فرور انگیز حزب توده ایران، در راه آزادی طبقه کارگر ایران از یوغ

امپریالیسم و ارتجاع است. ما همبستگی بی دریغ خود را با شما اعلام می کنیم و هر چه در توان داریم در این راه، در راه دفاع از حزب توده ایران و توده های در بند به کار خواهیم گرفت. نماینده سازمان هواداران فدائیان خلق ایران (اکثریت) در بریتانیا نیز ضمن شادباش این روز فرخنده، به اعضا و هواداران حزب توده ایران و فدائیان خلق و اعلام



کمونیست آفریقای جنوبی قرائت کردید. در بخشی از این پیام آمده است:

" سابقه پرافتخار حزب توده ایران، در مبارزه علیه رژیم شاه برای همیشه در تاریخ ثبت شده است. . . به رغم تمام دشواری ها، سالگرد حزب شما، مناسبت شادی آوری است که تمامی جنبش کارگری و کمونیستی، آن را جشن می گیرند ."

پیروزی از آن شماست . زنده باد حزب توده ایران ."

این بخش از پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی، در واقع مضمون اصلی دهها پیام همبستگی دیگری بود که از طرف احزاب کمونیست و از جمله حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست شیلی، حزب کمونیست پرتغال، حزب کمونیست یونان، حزب کمونیست قبرس (آکل) و حزب کمونیست سودان خواننده شد .

رفیق تونی گیلبرت مدیر کل سازمان پر نفوذ و معتبر مبارزه علیه استعمار " لیبرشن " در سخنرانی پرشوری از جمله گفت :
" برای من افتخار بزرگی است که در این جا همبستگی خود و اعضای سازمان مبارزه علیه

حمایت بی دریغ خود از حزب توده ایران، خلاصه ای از پیام شادباش کمیته مرکزی فدائیان خلق ایران (اکثریت) را به مناسبت ۴۲-مین سالگرد حزب توده ایران خواند ."

پیامهای شادباش مشابهی از طرف اعضا و هواداران حزب کمونیست اسرائیل و ترکیه، جنبه دموکراتیک برای آزادی جمهوری یمن - و انجمن دانشجویان کرد در اروپا و تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در بریتانیا در مسافرت گردید ."

جلسه با سخنرانی رفیق مسئول حزب توده ایران که با ابراز احساسات پر شور و کف زدنهای ممتد حاضرین روبرو شد، ادامه یافت و طی سخنرانی کوتاهی، که همزمان به انگلیسی ترجمه شد، به تشریح علل و روش شکست فلتیدن انقلاب و علل حمله به حزب توده ایران پرداخت و از تمامی احزاب و سازمانهای مترقی که همبستگی خود را با حزب توده ایران اعلام کرده بودند، تشکر نمود . این جلسه با ابراز احساسات شدید حاضرین و شعار درود بر حزب توده ایران به پایان رسید ."

آمریکاباد می کرد . . .

بقیه از صفحه ۵

که جز پایمال کردن منافع تمام کشورها و غارت ملل محروم و تأمین منافع آزمندان و خسود خواهانه مجتمع صنعتی - نظامی امپریالیستی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و کسب هژمونی جهانی او، هدف دیگری را دنبال نمی کند . چنانکه یوری آندرهف در ۲۸ سپتامبر سال جاری گفت :

" خواستن و توانستن، دو مقوله بسیار متفاوت و جدا از یکدیگرند هیچ کس قادر نیست چرخ تاریخ را به عقب بازگرداند ."

سیاست دولت ریگان، در سالهای اخیر، در رابطه با هیچ یک از این مناطق موفقیت آمیز نبوده است. بدین دلیل نیز دولت ریگان ناگزیر است نقاط دیگری را در نظر گیرد تا به منافع حیاتی خود برسد. اما در این مناطق چه چیزی در انتظار سیاستمداران آمریکایی است؟ توده های مردمی که برای چندمین بار در خیابانهای شیلی سینه های خود را در مقابل گلوله های گارد ملی پینوشه سپری کنند؛ تظاهرات مردمی در پاکستان، که دامنه آن از این استان به آن استان گسترده تر می گردد؛ ادامه ناآرامی ها در فیلیپین"

مطمئناً اوضاع در این کشورها متفاوت است. اما نقطه اشتراك در این است که هر کدام از این کشورها (نه تنها سه کشور نامبرده)، در نظر آمریکا حلقه ای از استراتژی عمومی آن به شمار می روند . حفظ مواضع آمریکا در این کشورها، پیش شرط ادامه سمگتگری تجار کاراته دولت ریگان است که دیگر نمی توانند در این پایگاههای مطمئن و در پشت جبهه پسا برجا بمانند . اکنون ستونهای اصلی این پایگاهها به لرزش در آمده اند؛ آنهم تنها با جرعه هایی بسیار کوچک، در عرض چند ماه و یا هفته، هم - زمان در کشورهای بسیار دور افتاده از هم : در کشورهایی با فرهنگ و سنن گوناگون ."

نسل جوان در بسیاری از کشورهای بزرگ در جهان سوم " به خاطر استقلال و آزادی به پا می خیزد . اما تحقق بخشیدن به این خواست های حق طلبانه در شرایطی که یوغ امپریالیستی بر گردن ملل این کشورهاست، شدنی نیست . این توده های بیپا خاسته، علیه فقر پیکار می کنند . فقری که در نتیجه بهره کشی استعماری " رشد کرده است . مردم این کشورها خواهان امنیت اند . اما واشنگتن به سربازانی نیاز دارد که به جای سربازان خودی و یا در کنار آنان به سوی مرگ روانه کند و به پایگاههایی نیاز دارد، که ضربات تلافی جویانه طرف مقابل متوجه این کشورها باشد ."

با توجه به این واقعیت ها، آیا عجیب است که جنبش مردمی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین پیوسته رنگ و اهداف ضد آمریکایی تری به خود می گیرند؟ در این رابطه باید تصریح کرد تنها اعمالی سیاست های نظامی گرایانه و آشکارساز امپریالیستی واشنگتن است که چنین جنبش های ضد امپریالیستی را بر می انگیزد ."

مسائل انقلاب و مواضع ما: فرخ نگهدار، د

موضع کنونی امپریالیسم در راه موضع اتحاد شوروی در

در پیش گیرد.
نیروهای راستگرا و مرتجع
سیاست و روش سازمان ما و سایر
دو اردوی سوسیالیسم و امپریالیسم
وسایل کوشیده‌اند. ما را از بیان
منع کنند. اکنون دادگاههای
اتحاد شوروی دوست بزرگ خلق
خلق ماست دفاع می‌کنند. حکم
با صراحت و صمیمیت به مردم
خطرناک و جنایتکار خلق ما و
دوست بزرگ و وطن خلق ما و

پرسش: نظر شما درباره رود
پاسخ: ما همواره معتقد بود
اشغال بخشی از خاک صیقل
سلطانه ضدانقلاب به همین
توطئه‌ای که با مشاوره ایران
ناگام ماند. این توطئه توسط روس
آمریکا و کنگ ارتجاع منطقه تد
مختلف این دیدگاه در اولس رو
نشره کار انتشار یافت. با شروع
که با شرکت فعال در دفاع از م
شکست شود و توطئه امپریالیسم
حزب توده ایران و سازمان ما
انقلابی را فراروی خود قرار
دستانی که علیه ما بویژه علیه
شده بود هرآنجا که فرصت باز
دفاع از انقلاب و سبب انقلابی
کرد که "متحد شویم و تجاوزات
درهم گوئیم." صدها نفر از
تحقیق همین شعار درجه‌های
که مقامات مذهبی و سیاسی
تحقیقها قرار می‌دادند. با این
می‌توانست انجام داد که مقابله
تجاوزکارانه به موفقیت نزدیک شود
در اوایل خرداد ۱۳۶۱ با آز
در برابر تجاوز آمریکایی رژیم
یافت. عراق پیشنهاد آتشس
ارائه داد. اما حکومت جمهوری
نشد و کوشید جنگ را با هدف
اسلامی در عراق ادامه دهد. به
مرحله برای کسب نیروهای نظامی
در عراق آغاز شد. امام خمینی با
برای فتح بصره، مردم بصره را
از قوای ایران دعوت کرد. اما
عملیات بعدی - نه قوای ایران
دست باید، و نه مردم عراق به د
در این مرحله از جنگ حزب
بکرا" هشدار دادند که یک توط
کشاندن نیروهای ایران بداخل
عراق در یک جنگ ترسناکی طول
جمهوری اسلامی ایران خواستیم ک
در این توطئه بهره‌بردار شد.

در سوی دیگر کشورهای سوسیالیستی قرار دارند. اتحاد شوروی
دوست بزرگ و نیرومند استقلال و آزادی کشور ما و پشتیبان مطمئن
انقلاب مردم ماست. سیاست اتحاد شوروی در طول سالها، یعنی از
انقلاب کبیر اکبر به این سیاست ثابتی بوده است که جهت اساسی
آن کمک به استقلال کشور و قرار گرفتن آن در مسیر پیشرفت بوده
است. اتحاد شوروی همواره خلق ما را در مبارزه علیه امپریالیستهای
انگلیسی و امریکایی یاری داده است. من فقط به این واقعبینان اشاره
می‌کنم که اگر اتحاد شوروی و یا به زبان دیگر انقلاب اکبر نبود
امپریالیسم انگلیس و امریکا تاکنون بارها خاک کشور ما را جولانگاه
ارتش خود ساخته بودند. قرارداد ۱۹۲۱ که حکومت ایران لغو یک
جانبه آنرا اعلام کرده است طی ۶۰ سال عملاً مانع از آن بوده است
که امپریالیستها با کشور ما همان رفتاری را داشته باشند که قبل از
آن داشتند. اتحاد شوروی متحد بزرگ خلق ما و خلق‌های تمام
کشورهایست. تاکنون هیچ انقلابی در هیچ کشوری به پیروزی نرسیده
است که اتحاد شوروی پشتیبان آن نبوده باشد. در کره خاک هیچ
حکومتی وجود ندارد که سیاست ملی و مردمی را دنبال کند. اما با
اتحاد شوروی مناسبات معنی دوستی و اعتماد برقرار نگذرد. تمام
کشورهای که به نحوی از انقلاب ما پشتیبانی کرده‌اند همه و همه رابطه
دوستانه با اتحاد شوروی داشته‌اند و این کشور را متحد وفادار و
وطن خود یافته‌اند. همه دولت‌هایی که به نحوی در توطئه علیه ما
مشارکت کرده‌اند کشورهایست هستند که سیاست ضد شوروی را دنبال
می‌کنند.

اما حکومت جمهوری اسلامی ایران متأسفانه همیشه نه تنها این
واقعات را پنهان کرده است، بلکه مکنس آنرا تبلیغ کرده است.
نه فرقی نه فریبی همکار اساسی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده
است. اما عملاً نه تنها هیچ کام اساسی در راه فتح وابستگی اقتصاد
کشور به غرب بر داشته‌شده است، بلکه زیر پوشش نه فرقی نه فریبی
در جمهوری اسلامی ایران اینطور وانمود می‌شود که گویا اتحاد شوروی
دشمن خلق ماست تا حکیم وابستگی به امپریالیسم توجیه شود.
در سه سال اول انقلاب جهت‌گیری ضد امپریالیستی جمهوری
اسلامی باعث می‌شد که حمله به اتحاد شوروی، کار همان ابتدا توسط
راستگرایان درخواست می‌شد، ابعاد وسیع پیدا نکند و بصورت یک
تهدید جدی علیه انقلاب مطرح نیاید. اما طی یکسال اخیر سیاست
حکومت نسبت به قبل عوض شده است. امروز اعلام می‌شود که
اتحاد شوروی بدتر از امریکا و انگلیس است و این حرف خیلی هت
می‌دهد. امروز ایران هم حاضر شده است در توطئه امپریالیستی
جدیدی شرکت جوید که علیه اتحاد شوروی در یکسال اخیر در
بسیاری از کشورهای امپریالیستی و ارتجاعی به رهبری امپریالیسم
آمریکا راه انداخته شده است. مطابق این توطئه به شکلی تقریباً
همزمان این کشورها هیاتهای نمایندگی اتحاد شوروی را متهم به
جاسوسی کرده و دست به اخراج آنان زدند. ایران با مشارکت
در این توطئه نه تنها خود را تا حد ارتجاعی‌ترین کشورهای وابسته
به غرب تنزل داد، بلکه بی‌اعتبار گردید، بلکه با تلاش برای اخراج در
مناسبات هادی با اتحاد شوروی جهت‌گیری سیاسی راست‌گرایانه و
ارتجاعی خود را شدت و شتاب تازه‌تری بخشید.
در حال امروز انقلابیون واقعی در سراسر جهان آموخته‌اند که
سیاست ضد شوروی و ضد کمونیستی یک روی سکه‌ای است که روی دیگری
سیاست هم سازش، هم تسلیم به امپریالیسم آمریکاست. نمونه مصر
نمونه کاملاً گویایی است. من فکر می‌کنم تا زمانی که وضع در همین
روال پیش می‌رود راستگرایان حاکم کوشش خواهند کرد ضربات باز
هم بیشتری به مناسبات ایران و شوروی و در نتیجه زبانه‌های بازهم
بیشتری به منافع ملی کشور ما وارد کنند. اکنون ما در شرایطی بسر
می‌بریم که امپریالیستها با سیاست‌های و شیرینی شادمانه می‌کوشند
این روای را تصریح کنند. اردوی سوسیالیسم و دیگر متحدان انقلاب
ما با نگرانی روزافزون رویدادهای کشور ما را دنبال می‌کنند و آرزو
دارند که خلق ما موفق گردد راه خود را بسوی آزادی و شکوفائی

پرسش: موضع کنونی امپریالیسم در رویدادهای اخیر ایران
چینت؟ موضع اتحاد شوروی در این رابطه چنده است؟
پاسخ: امپریالیسم آمریکا در طول تاریخ علیه استقلال و آزادی
مردم ما توطئه کرده است. مردم ایران نرفته‌ایمان ناپذیری نسبت به
امپریالیسم جهانی بویژه نسبت به امپریالیسم آمریکا در دل دارند
آمریکا تاکنون از هیچ اقدامی علیه انقلاب امپریالیستها نکرده است.
اعمال فشار برای درهم شکستن جمهوری اسلامی و با تبدیل تدریجی و
با ناگهانی جمهوری اسلامی به یک حکومت "اسلامی" نظیر پاکستان و
با مرستان هدفی است که هیچگاه امپریالیسم آمریکا از آن غافل
نبوده است. تحریک عراق به تهاجم به ایران، تدارک توطئه‌های
کودتایی، اشاعه تروریسم، محاصره اقتصادی و تهدیدات نظامی
بویژه تشکیل و گسترش نیروی واکنش سریع از جمله امریهائی است
که امپریالیسم آمریکا در ۵-۴ سال اخیر برای درهم شکستن جمهوری
اسلامی و با تضعیف نیروهای مدافع انقلاب در حکومت و بازگردن راه
برای غلبه دست راستی‌ها بکار گرفته است.

با غلبه سیاست راست‌گرایان در حاکمیت جمهوری اسلامی بنظر
امپریالیسم آمریکا و متحدانش بنظر در سیاست خود نسبت به
جمهوری اسلامی ایران تغییرات مثبتی بعمل آورده‌اند. آنها اکنون
سیاست خلاق و شیرینی را اعمال می‌کنند. آنها در عین حال که به
تهدیدات و قدرت‌نمایی‌های نظامی و آماده‌سازی نیروهای خود ادامه
می‌دهند وانمود می‌کنند که اگر حکومت ایران به همین سیاست خود
ادامه دهد می‌تواند مورد حمایت غرب قرار گیرد.
کنفرانس ویلینگتون را باید نقطه عطفی در مناسبات امپریالیسم
با حکومت ایران تلقی کرد. امپریالیستها اکنون با حکومت ایران به
نحوی رفتار میکنند که این حکومت بخاطر بی‌اورد که مناسبات حکومت
شاه با امپریالیسم می‌باید الگو قرار گیرد. امپریالیسم می‌کوشد به
حکومت ایران تفهیم کند که "خوشرفتاری" با دوستان و جاسوسان
امپریالیسم در ایران و سرکوب نیروهای انقلابی، بویژه کمونیستها و
ایجاد خصومت با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و
رها کردن اصلاحات بنیادین و تحکیم راه رشد سرمایه‌داری در کشور
از سوی امپریالیسم بی‌پاداشی خواهد ماند.

امپریالیسم در مقابل اتخاذ سیاست راست‌گرایانه حکومت علاوه
بر وعده‌های شیرین به سرمایه‌داری ایران از تبلیغات ضد ایرانی و ضد
حکومتی خود کاسته است. به اردوهای بی‌سی‌اس و صدای آمریکا و
کلن و اسرائیل گوش کنید و آنها را با چند راه پیش نمایه کنید
مطلب خود بخود دستگیرتان خواهد شد. امپریالیسم در مرصه
تسلیمات فعلی دوره سکوت توام با تأخیر را پشت سر می‌گذارد.
حکومت ایران همچنان تلاش دارد جریان خریدهای تسلیماتی
از غرب نکتوم بماند. اما این دیگر پنهان کردن نیست که خرید
اسلحه از غرب بویژه آمریکا روبه‌زونی است. برخی از محافل حاکم
هنوز بود خود نمایی میکنند و با شرم می‌کنند این موضوع را اعتراف
کنند. اما امپریالیستها که به اوضاع آینده ایران بسیار امیدوارتر
شده‌اند در تسلیمات خود بوجود این رابطه اعتراف می‌کنند. این
کار از نظر آنها برای تشجیع آن دسته از عناصری که هنوز با اگراه به
این روابط مینگرند در حال حاضر ضروریست و این کار زمینه‌های لازم را
فراهم می‌آورد که حکومت جمهوری اسلامی ایران که هنوز می‌کوشد
وانمود کند مواضع ضد امپریالیستی وی تغییر نکرده است. در آینده
خود را آماده سازد که به "وجود" و "فروپوش" ارتباط و نزدیکی خود
با غرب با گستاخی لازم اعتراف کند. ما فکر می‌کنیم که این رابطه
در آینده گسترش بازم بیشتر خواهد یافت. بخصوص ادامه جنگ

شتاب بیشتری به این گسترش می‌بخشد. سازمانهای جاسوسی
امپریالیسم همکاری موثری را با دستگاههای اطلاعاتی جمهوری
اسلامی آغاز کرده‌اند. در هجوم به حزب توده ایران عملیات فعال
سازمانهای جاسوسی غرب نقش درجه اول داشته است. چه چیز از
این برای امپریالیسم لذت بخشتر که کاشی که شمال پیش لانه‌های
سازمانهای جاسوسی غرب را در کشور ویران می‌گردند. امروز برای
سرکوب همین دوستان و انقلابیون دست به دامان همین سازمانها
می‌شوند. هم اکنون اشخاصی نظیر فردوست در رأس دستگاههای
اطلاعاتی کشور قرار گرفته‌اند. این امر برای امپریالیستها یک موفقیت
بسیار بزرگ محسوب می‌شود. هم اکنون حکومت در حال ایجاد یک
وزارتخانه اطلاعات است. امپریالیستها بویژه از طریق مبره‌های
کارگرفته. ساواک و هیزاد وی حجتیه زمینه را بسیار مساعد می‌بینند
که این سازمان به یک ساواک جدید تبدیل شود. برای ما جای هیچ
تردیدی نیست که این وزارتخانه‌ای که در شرایط تسلط سیاست راست
بر کشور شکل می‌گیرد، با توجه به حد نفوذ فعال غرب در این
دستگاههای اطلاعاتی کشور، به یک اهرم قوی مهار حرکات ضد
امپریالیستی و سرکوب جنبش تودمائی تبدیل خواهد شد. بهرحال
موضوع ارتباط و همکاری موثر سازمانهای جاسوسی غرب با حکومت
ایران موضوعی است که با رشد گرایش راست در حاکمیت رو به
گسترش است.

بخش سوم

ول سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دادهای اخیر ایران چیست؟
این رابطه چگونه است؟

بارها طی این مدت اعلام کردیم، ما بارها تذکر دادیم که کسانی که سرنوشت جنگ را با سرنوشت صدام و تشکیل جمهوری اسلامی در عراق مربوط می‌کنند در عمل یک جنگ فرسایشی طولانی راه کشور ما تحصیل می‌کنند؛ جنگی که نتایجش فرسایش قوای انقلاب ایران و بازگردن راه برای غلبه دادن سیاست راست و نیروهای راست در حکومت است. اما مقامات حاکم به هیچک از این هشدارهای دلسوزانه و سپین‌برستانه ما گوش نکردند و همچنان به سیاست انقلاب برپاداده عود ادامه دادند.

اکنون که فقط اندکی بیش از یکسال از زمان این هشدارها گذشته است بروشنی دیده می‌شود که جنگ تا چه حد تأثیرات مخرب خود را روی روند تحول اوضاع کشور و سوق دادن آن درجهتی که مطلوب امپریالیسم است باقی گذارده است. حکومت سرنوشتی صدام را عملاً شرط پایان جنگ اعلام کرد و این یعنی لااقل تا وقتی رژیم کمونی در عراق وجود دارد جنگ هم ادامه خواهد یافت، درباره پس از آن هم از حالا چیزی نمی‌توان گفت. این درست همان سیاستی بود که امپریالیسم نیاز داشت. در سایه این سیاست هلاکت‌بار که تمام جناحهای حکومت از آن طرفداری می‌کردند، نیروهای ارتجاعی در حکومت جمهوری اسلامی موفق شدند بهر جهت مباح خود را تحکیم بخشد. اصلاحات اجتماعی- اقتصادی و اجرای قانون اساسی را به سپاه وجود جنگ معلق کنند. رابطه تسلیماتی و تجاری با غرب را باز هم به بهانه نیازهای جنگی وسعاً گسترش دهند. بخش عمده از سوره‌های مردمی و مخلص انقلابی را درجه به نگاه‌دارند و بخش مهمی از آنان را به شهادت بفرستند و از سر راه بردارند و بسیاری موفقیت‌های دیگر. آقای رهنجانی در نماز جمعه ۲ ماه پیش به مردم اطمینان داد که سایل بسیار مهم کشور ما از حمله درباره مسئله جنگ و صلح شخص امام است که تصمیم‌گیرنده نهایی است. امام خمینی نیز در آستانه ماه رمضان و پس از آن بارها با صراحت کالی اظهار داشته است: خواهان ادامه جنگ تا روی کار آمدن یک حکومت اسلامی در عراق است. برای امام امروز صدام حتی بلندتر از امپریالیسم آمریکاست. علاوه اخیراً در جمهوری اسلامی ایران تعبیر خاص دیگری از شعار "جنگ مسئله اصلی است" ارائه داده می‌شود. محافللی در حکومت و پیرامون آن اینطور مطرح می‌کنند که کوبی "امپریالیسم مسئله اصلی نیست، صدام مسئله اصلی است" و اس بسیار سباز خطرناک است. تاکنون اینطور بود که صدام بیش از همه توسط کشورهای ارتجاعی عرب تقویت و حمایت می‌شده کنورهای کبیش از همه به امپریالیسم وابستگی داشتند. اکنون سیم آن می‌رود که در جمهوری اسلامی ایران سیاستی در پیش گرفته شود که به امپریالیسم می‌گوید: در هر حال ایران برای شما خیلی بهتر از عراق است، بجای صدام از ما حمایت کنید. قبلاً از شعار جنگ مسئله اصلی است چنین برمی‌آمد که جنگ عمده‌ترین خطر برای انقلاب است و بنابراین باید بیش از همه مورد توجه قرار گیرد. اما اکنون خیلی خیلی ماهرانه می‌خواهند با استفاده از فشاری که آنقدر کینه شده که دیگر امروز دروغ محض است سازش با امپریالیسم و کلان سرمایه‌داری و بزرگ‌مالگی را توجیه کنند. اخیراً آقای بانکی وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه بودجه که در تحکیم نظامات سرمایه‌داری و وابستگی اقتصادی کشور به امپریالیسم نقش فعالی دارد، در مصاحبه با روزنامه کیهان (۲۴ شهریور ماه ۶۲) گفته است: جنگ سبب حرکت‌های سازنده در این مملکت شد و به عقیده من جنگ در دنیا همیشه عامل پیشرفت اقتصادی و صنعتی شده است.

در اینجا همان پروسه‌ای می‌تواند در حال گسترش باشد که در مصر در آغاز حکومت پادشاهی گسترش یافت. در آن زمان سادات اینطور عنوان می‌کرد که: کلید حل مسأله غائوریمانه در دست آمریکاست و ادامه حمایت آمریکا از اسرائیل مانع عمدتاً من حقوق ایرانی است. بنابر

ن بسیار تلاش کرده‌اند که بین روش حزب توده ایران نسبت به شکاف بیندازند. آنها بانواع حقایق و از پایداری به آنها رای کسانی که از این حقیقت که امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی رب صادر می‌کنند. ما همچنان کوبیم امپریالیسم آمریکا دشمن شریعت ماست و اتحاد شوروی مطلق‌هاست.

ک ایران و عراق چیست؟ که تجاوز نظامی عراق با ایران و ک توطئه خطرناک برای صدور سرنوشتی انقلاب بوده است. قی ما به نتیجه مطلوب نرسید و برای و به تحریک امپریالیسم دیده شده بود. تشریح جوانب آغاز جنگ در صبرماه ۱۳۵۹ در تجاوز و طیده انقلابی حکم می‌کرد انقلابی این تجاوز آشکار در هم ی صدور شد انقلاب غشی شود. از گران و صادقانه حسن وظیفه و علیرغم تمام تحریکات و ت لعال ما در جنگ تدارک دیده در جبهه‌ها و پشت‌جبهه‌ها به ضم، سازمان ما از مردم دعوت ریالیسم آمریکا و رژیم صدام را ن رفتای فدائی و توده‌ای ما در در حالی به شهادت رسیدند را مورد زشت‌ترین توهین‌ها و نال سازمان ما واقعاً هر آنچه مطلق ما در مقابل این توطئه

غرضش دفاع حماسی مردم ما به پیروزی‌های عظیمی دست صلح بر اساس قرارداد ۱۹۷۵ را بی ایران حاضر به ترک مسأله جنگوتی صدام و تشکیل جمهوری منظور عملیات نظامی در چند عراق و استقرار جمهوری اسلامی به پیش هنگام تهاجم قوای ایران ام علیه رژیم صدام و استقبال مل - نه در آن عملیات ونه در بقی شد به هدفهای اعلام شده امام پاسخ مثبت دادند. ایران و سازمان فدائیان خلق امپریالیستی خطرناک با هدف قی و درگیر نگهداشتن ایران و بر حال گسترش است از حکومت هشجاری واقع بینی از فلسطین ت خود را با ادامه جنگ بارها و

این اگر ما سیاستی در پیش گیریم که آمریکا خود را در حمایت از اسرائیل نبیند و در حمایت از اعتراضات بینهند اغریاب خواهند توانست از همده اسرائیل برآیند. اما از همان اول معلوم بود که این حرفها صرفاً بهانه‌ایست برای توجیه سازش با امپریالیسم و سهولتیم زیر پوشش‌های ضد اسرائیلی. اکنون هم در جمهوری اسلامی این حرف خیلی تبلیغ می‌شود که آمریکا باعث ادامه جنگ است اگر حمایت خود را از صدام قطع کند ایران یک روزه کار را تمام خواهد کرد. هر انقلابی صادقی اصلاً نمی‌تواند در این فکر نباشد که هم‌اکنون سیاست راست در حکومت جمهوری اسلامی ایران خود را آماده کرده است که پیشنهاد قطع حمایت غرب از عراق را وسیله نزدیکی و کنار آمدن خود با آن قرار دهد.

با این حال باید فهمید که مسئله جنگ ایران و عراق و آینده آن مسأله‌ای بسیار بفرنج است که می‌تواند آستان حوادثی متضادی باشد. پیش‌بینی روندهای بعدی در ایران و بویژه در عراق که چگونه و در کدام جهت گسترش خواهد یافت بسیار دشوار و حتی در بسیاری موارد فعلاً غیرممکن است. ما باید همواره بخاطر داشته باشیم که رابطه جنگ با مستگیری دیگر حوادث در ایران و عراق به هیچوجه مسئله ساده‌ای نیست، ولی در هر حال بنظر من یک چیز روشن است و آن اینکه در موقعیت‌گونی سیاست غالب بر کشور ما سیاست عدم پذیرش آتش‌بس و ادامه جنگ بهترین است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) قطع نظر از اینکه در ایران با عراق در زمینه ملی و بین‌المللی کدام سیاست غلبه کند و قطع نظر از اینکه در جبهه‌های جنگ کدام نیرو برتری باید موافق این اصل بوده و هست و خواهد بود که این جنگ بسود امپریالیسم و مرتجعین و زمان آن نصیب ملت‌های دو کشور و نیروهای مترقی ایران، عراق و منطقه خواهد بود. ما خواهان قطع فوری جنگ و استقرار صلح بر اساس عدم تجاوز، حفظ تمامیت ارضی طرفین و احترام به استقلال هر دو کشور هستیم و خواهیم بود. ما بر این عقیده‌ایم که ادامه جنگ راه حل هیچک از اختلافات موجود بین دو کشور نیست. این اختلافات هرچه باشد می‌تواند و باید از راه مذاکره و از طریق سیاسی دیگر حل و فصل گردد.

توده‌های میلیونی مردم مبین ما نیز همین را می‌خواهند آنها از ادامه این جنگ بیش از پیش متنفر می‌شوند. مردم هیچ‌انگیزهای برای تحمل بار جنگ ندارند. مردم از این وضع غمناک هستند. مردم بدوستی می‌بینند که حاصل سیاستی که حکومت در این جنگ دنبال می‌کند چیز ویرانی و گشتار و تحمل محرومیت‌های بیشتر هیچ چیز دیگری نیست. حکومت نیز برای ادامه جنگ تنها یک راه دارد. افزایش فشار بر مردم. مردم خواهان پایان این فوری این جنگ هستند. سازمان ما از این خواست برحق، انسانی و عادلانه مردم کاملاً دفاع می‌کند. خود مردم امروز به نحو روزافزونی ناراضی عمیق خود را از سیاست ادامه جنگ که توسط حکومت دنبال می‌شود نشان می‌دهند. مردم می‌کشند حکومت را وادار سازند که به این خواست مشروع آنان عمل کند.

پرش: حاکمیت جمهوری اسلامی با دستگیری و شکنجه رهبران حزب توده ایران نشان داده است که به گستاخانه‌ترین شکل ممکن تهددات خود در مقابل مردم را لگدال می‌کند. حکومت جمهوری اسلامی نشان داد که در برخورد با سازمانها و احزاب سیاسی مستقل و مترقی ریاکارانه و منافقانه برخورد می‌کند. نظر شما در این باره چیست؟

پاسخ: دستگیری و سپس شکنجه رهبران حزب توده ایران چنان نفرت‌انگیز و جنایتکارانه است که همچون لکه ننگی زایل ناشدنی برای سالیان، خشم و اعتراضات خلق‌های سراسر جهان را نسبت به عاملین آن به همراه خواهد داشت. امپریالیسم، ضدانقلاب و راستگرایان که طراحان اصلی این جنایت‌بودند خوب می‌دانستند که یعنی دستگیری و شکنجه رهبران حزب چیست. آنها با این کار موثرترین ضربه هولناک را بر پیگر انقلاب ایران وارد ساختند. بویژه آنها زاویه وارد کردن این ضربت را نیز بهترین انتخاب کردند که به روابط ایران و اتحاد شوروی نیز بهترین لطمات وارد شود. آنها تمام خیانت خود را بکار بستند که دستگیری و شکنجه رهبران حزب توده ایران بطور مشخص جنبه یک حرکت ضد شوروی بخود بگیرد و روابط عادی دو کشور را هدف قرار دهد. این کار برای کشاندن کشور به آغوش امپریالیسم مطلقاً ضروری بود.

واقعیست اینست که حکومت جمهوری اسلامی ایران با اقدام به پرورش به حزب، دستگیری و شکنجه رهبران حزب توده ایران نقش‌های را که برزیسکی، مشاور امنیتی کارتر طراحی کرده بود، تمام و کمال بقیه در صفحه ۱۰

مسائل انقلاب و مواضع ما

بقیه از صفحه ۹

به اجراء درآورد. بسیاری از مسئولان درجه اول جمهوری اسلامی ایران چه آنانکه از بدو تشکیل جمهوری در پی اجرای چنین توطئهای بودند و چه کسانی که بعدها با این نقشه موافقت کرده‌اند طبعاً بر عواقب هلاکت‌بار این اقدام برای انقلاب ایران کاملاً آگاه بوده‌اند. با این حال در بین عناصر ضدامپریالیست در حکومت جمهوری اسلامی هنوز افرادی وجود دارند که نتوانسته‌اند تمام ابعاد بی‌آمدهای این هجوم را بفهمند. آنها هنوز رابطه بین هجوم به حزب و تعلق اصلاحات بنیادین، رابطه بین تشدید جو ضدکمونیستی و ضد شوروی و تصمیمات اخیر کفزناس و ویلیامزبورگ و یا رابطه بین سرکوب توده‌ها و نزدیکی بازار به حکومت را درک نکرده‌اند. اینها عناصر صادق و ساده‌ای هستند که قادر نیستند بخرنجی پدیده‌ها را همانگونه که هست، تشخیص دهند. لیکن این عناصر در جمهوری اسلامی ایران سیاست‌ساز نیستند، و من نمی‌توانم باور کنم که مسئولین طراز اول حکومتی متوجه این رابطه‌ها نباشند و شخصاً باور نکرده باشند که سرکوب حزب نشانه آغاز سیر برگشت انقلاب است. حکومت ایران رباکارانه و بمنظور فریب مردم اعلام کرده است که رهبران حزب بخاطر "جاسوسی بشفق شرق" دستگیر شده‌اند و حزب هم به همین دلیل منحل اعلام شده است. اما این حرفها نمی‌تواند مردم را فریب دهد. همگان می‌دانند که حزب بعثت فعالیت بی‌گیر میهن پرستانه و انقلابی مورد هجوم قرار گرفته است، و از قبل هم مشخص بود که چنانچه سیر برگشت انقلاب آغاز شود و حتی برای اینکه سیر برگشت انقلاب آغاز شود، سرکوب حزب توده ایران ضروری خواهد بود. اینکه حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران را به جاسوسی متهم بکنند اصلاً چیز تازه‌ای نیست، این اتهامی است که مرتجع‌ترین طبقات اجتماعی و بویژه سرمایه‌داران طرفدار حزب در تمام کشورها از دیرباز نسبت به تمام احزاب طبقه کارگر و در تمام کشورها وارد کرده‌اند. همواره در طول تاریخ بیگانه‌پرستان واقعی، آنان که بند نافتان به شکم امپریالیسم بسته است کمونیستها این میهن پرستان واقعی را بیگانه‌پرست و جاسوس نامیده‌اند. این اتهام ردیلا نه صرفاً وسیله‌ایست در خدمت هدفهای ردیلا نه تری بنام نابودی انقلاب و استقلال کشور، حزب توده ایران شناخته شده‌ترین و پراسابقه‌ترین سازمان سیاسی کشور است، حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان میهن است که برنامه و مشی خود را برای پیشبرد انقلاب تدوین کرده است. حزب توده ایران در طول بیش از ۴۰ سال فعالیت خود به چنان جریانی بدل شده است که عملاً "کین‌توزترین دشمنان آشتی‌ناپذیر آن، ارتجاعی‌ترین نیروهای اجتماعی بشمار می‌روند و هر نیروی ترقیخواه در عرصه مبارزات واقعی قطع نظر از تمایل درونی خود با حزب توده ایران در یک سمت قرار می‌گیرد. اعتبار جهانی حزب توده ایران چنان است که هر عنصر انقلابی در هر کجای دنیا که باشد اوضاع کشور ما را بوسیله رفتاری می‌سنجد که با حزب توده ایران می‌شود. برای بشریت ترقیخواه در عصر ما سیاست حکومت نسبت به حزب توده ایران همواره و در طول تاریخ یک ملاک واقعی برای تشخیص سمت‌گیری حکومت ایران بوده است.

علیرغم تمام تبلیغات مسموم و فریبکارانه‌ای که طی ۴۳ سال علیه حزب توده ایران دامن زده شده است امروز وضع بگونه‌ای است که هر زمان توده‌های وسیع تری از خلق ما بی‌می‌برند که چگونه مرگ برتوده‌ای یعنی مرگ بر اصلاحات ارضی، یعنی زنده‌باد سرمایه‌دار درود بر فتودال، یعنی دوستی با امپریالیسم امریکا و دیگر مرتجعین جهان، شعارهای حزب توده ایران درباره مهم‌ترین مسائل اجتماعی تا آنجا در میان توده مردم نفوذ کرده است که هر روز بیشتر از روز پیش در مبارزه روزمره توده‌ها ملاک و معیار قضاوت درباره سیاست و اقدامات حکومت و سازمانهای سیاسی قرار می‌گیرد. حزب توده ایران گروهک بی‌ریشه‌ای نبوده و نیست که بتوان سر آنرا زیر آب کرد و آب هم از آب تکان نخورد. وقتی حکومت بدنحال اتخاذ یک سیاست آشکار ضد توده‌ای، رهبری حزب را دستگیر و آنان را متهم به جاسوسی و خیانت به کشور کرد، این اقدامات ضربه شدیدی به حیثیت و اعتبار جمهوری اسلامی ایران در میان توده مردم ما و در میان مردم همه کشورهای جهان وارد آورد. حکومت واقعاً تمام حیثیت و آبروی

خود را وسیله توجیه این اقدام ضدانقلابی و نامردمی خود قرار داد. با این حال اگر فاجعه فقط به بازداشت رهبری حزب توده ایران محدود می‌شد مسئله چیز دیگری بود. حکومت در پی این بازداشتها، رهبران حزب را آنقدر شکنجه کرد که در برنامه‌های ضبط تلویزیونی به اعمالی اعتراف کنند که هرگز مرتکب نشده‌اند و مطالبی اظهار کنند که هرگز به آن اعتقاد نداشته‌اند. اینکه جمهوری اسلامی بزور شکنجه قربانیان خود را وامی‌دارد تا زانو بزنند و تیرهای تهمت و افترا و جعل و تحریفی را که ۳۰ سال است سیا انتلیجنت سرویس، موساد و ساواک شاه علیه حزب توده ایران ساخته و پرداخته به قلب جنبش و یاران خود شلیک‌کننده تنها ابعاد شقاوت و جنایتی را که صورت گرفته آشکارتر می‌سازد. اعلام مضحک "انحلال" حزب توده ایران و اخطار به اعضا و هواداران حزب که خود را به مقامات امنیتی معرفی کنند و دوستان و هواداران و رفقای مبارز خود را به شکنجه‌گران رژیم تسلیم کنند و اینکه از این به بعد توده‌ها بیگانه‌ها حکمتان قتل است، ادامه جنایت هولناکی است که دامنه نفرت مردم را از جنایات و اقدامات رژیم ایران بشدت گسترش داده است. با این رفتار ضد اخلاقی و ناجوانمردانه، حکومت ایران در افکار عمومی مردم ما و دیگر کشورها، با جنایتکارترین رژیمهای خونریز و جلا د مقایسه شد.

گرچه حکومت در وارد آوردن ضربه به حزب توده ایران و تمام جنبش انقلابی ایران، موفقیت بزرگی بدست آورد، اما هرکس این روزها کمترین برخوردی با مردم داشته باشد می‌تواند بی‌ببرد که در مقابل یک شکست بسیار بزرگتر را متحمل شده، حکومت با این اقدام تمام اعتبار و حیثیت بجامانده خود راهم بر باد داد و خشم و نفرت توده مردم را بجان خرید.

مسئولین کشور خوب می‌فهمند که چگونه این نحوه رفتار ناجوانمردانه و عهدشکنانه با حزب توده ایران موج نگرانی و عدم اعتماد را در میان افشار و وسیع خلق دامن زده است. آنها خودشان هم می‌دانند که توده‌های میلیونی مردم وسیعاً بی‌برده‌اند که "اعترافات" محصول وحشیانه‌ترین شکنجه‌های روحی و جسمی است که در مورد رهبران حزب بکار بسته شده است. این مسئولین خوب می‌فهمند که چگونه ارتکاب این جنایات تمام مشروعیت، صلاحیت و حقانیت آنان را در ذهن مردم زیر علامت سوال کشیده است. هرکس این فاجعه را می‌بیند از خود می‌پرسد راستی برای مجریان این جنایات چه چیز عزیز تر از آنچه از دست داده‌اند وجود داشته است که برای بدست آوردن آن حاضر شده‌اند بسه غیر اخلاقی‌ترین جنایات و رباکارانه‌ترین اعمال روی آورند؟ آنها اکنون هدفی را برگزیده‌اند که بدون این وسایل هرگز بدست نمی‌آید و آنها که امروز در حکومت ایران نشسته‌اند راه سرمایه‌داری را برگزیده‌اند. البته ممکن است که حکومت نداند یا نتواند بفهمد با این اعمالی که مرتکب می‌شود کدام سرنوشت را برای خود رقم می‌زند. من در اینجا یاد شاه و ۱۵ خرداد می‌افتم. مگر نه اینکه شاه نمی‌توانست بفهمد ۱۵ خرداد به آن چیزی در تاریخ ما بدل می‌شود که شد. اما یقیناً شاه خوب می‌دانست چه می‌خواهد و وسائل رسیدن به این خواست چیست؟

امام خمینی به نحو کاملاً آشکاری خاطرنشان ساخته است که با کسانی که در دستگاه حکومت جای دارند ولی از سرکوب کمونیستها انتقاد می‌کنند، همانطور رفتار خواهد شد که با کمونیستها. این اخطار خیلی بامعناست. این اخطار آنها هم باین شکل، گذشته از اینکه اعلام سیاستی کاملاً بنفایر یا مواعیدی است که امام قبل از بدست گرفتن قدرت به مردم داده است، گویای این واقعیت است که نیروهایی در داخل صفوف حکومت هم وجود دارند که نه تنها با سیاستی که در پیش گرفته شده است موافق نیستند بلکه احساس می‌کنند خودشان هم در آستانه طرد و سرکوب قرار دارند. آنها درک می‌کنند که سیاستی در پیش گرفته شده که از ریشه با آنچه که برای آن انقلاب کرده‌اند، در تضاد است. سیاستی که آینده جمهوری اسلامی ایران را در همان راستای ترسیم می‌کند که رژیم‌های مصر و عربستان و پاکستان قرار دارند. این اخطار گویای آن بود که نه تنها توده مردم بلکه بخشی از "مسلمانان مومن" هم با آنچه که با حزب توده ایران شده است، مخالفند. مسلمانانی که شرم دارند از اینکه

مسائل انقلاب و مواضع ما

بقیه از صفحه ۱۰

بخاطر آوردن، این جنایات توسط رژیم انجام می‌شود که خود از حامیان آن هستند.

آقای دادستان علیرغم نص صریح قانون اساسی و حتی علیرغم همان قانون نیم‌بند احزاب که از تصویب مجلس گذشته است "انحلال" حزب توده ایران را اعلام می‌کند. این سخن آقای دادستان نافذ کوچکترین ارزش قانونی است. صدور اعلامیه توسط دادستانی در این باره یک اقدام بگلی خودسرانه و بی‌اعتبار است.

حزب طبقه کارگر ایران یک چیز وارداتی نیست، محصول رشد و تکامل تضادها و تناقضات درون جامعه ماست. در حزب طبقه کارگر مسئله اصلی محتوای حزب، یعنی برنامه، مسی و بطور کلی ایدئولوژی حزب است و موجودیت تاریخی حزب بسنه بارده و سرنوشت این یا آن فرد نیست. حزب قبل از همه آن‌اند سه نایبانی است که راهنمای عمل انقلابی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان کشور است و این اندیشه هرزمان که می‌گذرد قلب و روح عده بیشتری از زحمتکشان میهن ما را تسخیر می‌کند. راه ما صحیح‌ترین راه رهائی زحمتکشان میهن از یوغ هر نوع ستم اجتماعی است. نیروی جادیه اندیشه ما قبل از هر چیز در حقیقت آنست و حقیقت را گرچه می‌توان انکار کرد اما نمی‌توان آنرا نابود کرد.

اندیشه ما راهم که جوهر حزب ما حزب طبقه کارگر است نه بزور شکنجه و نه بزور اعدام و عوامفریبی نمی‌توان نابود کرد، زیرا از یک سو بر نیروی عظیم طبقه کارگر و همه زحمتکشان میهن تکیه می‌کنند و از سوی دیگر به نیروی تسخیرناپذیر حقیقت مجهز است. آمیزش این دو، ریشه‌های حزب طبقه کارگر ایران را در دل جامعه ما طی این ۷۰ سال تا آنجا عمیق کرده است که با اطمینان می‌توان گفت که حزب طبقه کارگر ایران نه تنها "منحل" نخواهد شد بلکه همواره به مثابه یک نیروی اجتماعی پویا تاثیر روزافزون خود را بر روند مبارزه طبقات بسود آرمانهای مردم زحمتکش بر جای خواهد نهاد.

اکنون که دستگاه رهبری حزب توده ایران در زیر ضربات حکومت آسب جدی دیده است و عده زیادی از ورزیده‌ترین گادزهای تفویک و سیاسی جنبش کمونیستی که سرمایه‌های معنوی هنگفتی برای جنبش طبقه کارگر و انقلاب بوده‌اند اسیر شده و جان‌آسان در معرض خطر جدی است، اکنون برعهده ماست تبلیغات زهرآگین را که علیه حزب توده ایران دامن زده می‌شود خنثی کنیم.

امپریالیسم، ضدانقلاب، همه مرتجعین ایران و جهان و حاکمیت راستگرای جمهوری اسلامی ایران بیش از هر زمان نیاز داشتند که سازمان در مقابل کوبیدن حزب توده ایران سکوت اختیار کند و باین ترتیب به منزله عاملین این سرکوب دزخیانه در گمراه کردن مردم در تضحیح اوضاع مساعدت کند. در اینجا باید بیکار دیگر باصراحت تمام اعلام کنیم اگر تیغ حکومت تمام‌بیکر سازمان را نشانه بگیرد، ما کمونیست‌ها فقط حقیقت را به مردم خواهیم گفت و جز آن نخواهیم گفت. هیچ چیز قادر نیست ما را حتی یک سر سوزن هم از مواضع خود و از تحکیم بازهم بیشتر پیوند برادرانه با رفقای توده‌های باز دارد. حزب توده ایران صرفاً "بدلیل وفاداریش به انقلاب سرکوب می‌شود و سرکوب حزب توده ایران، سرکوب حق و عدالت، سرکوب شرف انسانی، و همه آن چیزهایی است که ما برای آن بپاخواستیم. انقلابیون همه دنیا با خشم و نفرت دستگیری و شکنجه رهبران حزب توده ایران را محکوم می‌کنند. بشریت مرفی با صدای بلند، یکبارچه علیه فجایعی که در میهن ما می‌گذرد، به اعتراض برخاسته است. این پشتیبانی فرورانگیز حاصل چیست؟ ظنین این اعتراض جهانی در دفاع از حزب توده ایران دستور گرانقدر مبارزه بیکر و خستگی‌ناپذیر حزب در راه رهایی خلق ما و تمام بشریت است و ما به این پشتیبانی افتخار می‌کنیم. این پشتیبانی ستم‌زدگان را باز و فرصت‌طلبان را در حکومت سرانگنده ساخته و تحقیر کرده است.

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران و حزب بی‌گیرترین میهن پرستان ایران است و امروز از عمده‌ترین وظایف انقلابی ما دفاع از حقیقت راه و آماج‌های بزرگ حزب توده ایران و مقابله بی‌امان با موج فریب و ترور و سرکوب علیه توده‌ایاست.

حزب توده ایران در کانون ستیز انقلاب و ضدانقلاب در سراسر کشور ما قرار گرفته است و حد موفقیت راستگرایان، ضدانقلاب و امپریالیسم در عوض کردن جهت ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی و کشاندن کشور به راه سرمایه‌داری بطور مشخص با اینکه تا چه میزان حزب توده ایران کوبیده و منفرد شود گره خورده است. اگر امروز حزب توده ایران چنان کوبیده و منفرد شود که سیاست و برنامه آن بلامدافع گردد، ارتجاع راحت‌تر از هر زمان دیگر خواهد توانست جنبش توده‌ای را در برابر سیطره گرایش راست منکوب کند. آخر مگر نه اینکه تمام برنامه و سیاست حزب حفظ و تعمیق گرایش ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی ایران و سوق کشور بطرف پذیرش راه غیر سرمایه‌داری بوده است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تنفر و انزجار خود را از دستگیری و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده ایران اعلام کرده است. سازمان ما دستور مقامات کشور را در مورد انحلال حزب توده ایران بی‌اعتبار و فاقد ارزش قانونی و واقعی می‌شناسد. دستور مقامات قضائی و انتظامی را دایر بر اینکه اعضا و هواداران حزب توده ایران که گناهی جز هواداری از انقلاب ندارند، ملزم هستند خود را به مقامات انتظامی معرفی و نام و نشان رفقای خود را هم به آنها تسلیم کنند، یک اقدام خودسرانه، غیرقانونی و ضدانقلابی می‌شناسد.

امروز وظیفه ماست که از طریق بسیج افکار عمومی در مقیاس جهانی و با موج اعتراض توده‌ای، علیه این جنایاتی که در کشور ما صورت گرفته است حکومت را مجبور کنیم به خواست بحق مردم مبنی بر محاکمه علنی رهبران حزب و اجازه حضور یک هیات ناظر بی‌طرف بین‌المللی و مردم در دادگاه موافقت کند. نباید اجازه داد که دزخیانی که این جنایات را مرتکب شده‌اند بخود اجازه دهند در پشت درهای بسته زندان اوین جنایات خود را پنهان و صدیق‌ترین فرزندان خلق ما را نابود کنند. باید حکومت را وادار ساخت برای تمام افراد رهبری حزب توده ایران که بازداشت شده‌اند محاکمه علنی ترتیب دهد.

در اینجا لازم می‌دانم کمی هم درباره سیاست جمهوری اسلامی در برخورد با سازمان ما صحبت کنم. اخیراً آقای موسوی دادستان کل در مصاحبه با روزنامه کیهان - ۷ شهریور - در پاسخ سوال خبرنگار که درباره دستگیری اعضای سازمان می‌پرسید گفت:

" اینها اعضای شان دستگیر نشده‌اند... به عنوان اینکه اعضای گروه اکثریت دستگیر شده‌اند، خبر اینطور نیست." من از پاسخ آقای دادستان تعجب می‌کنم زیرا بعید است که ایشان از حقایق اطلاع نداشته باشند، بعید است که ایشان ندانند هم‌اکنون تمام گادرها، اعضا و هواداران سازمان تحت گسترده‌ترین پیگردا قرار دارند و هر هفته حداقل دهها تن بعنوان کادر مسئول، عضو و با هوادار اکثریت در سراسر کشور بازداشت می‌شوند. ما اطلاع داریم که بازداشت شدگان و حتی چندتن از مسئولین سازمان که بیش از ۲ سال است در اوین بطور غیرقانونی در بازداشت بسر می‌برند برای کسب اطلاعات زیر شدیدترین شکنجه‌های جسمی و روحی قرار دارند. بازجوی‌های اوین از آنها می‌خواهند که رفقای خود را معرفی کنند، بویژه آنها را زیر شکنجه‌های وحشیانه قرار می‌دهند تا اطلاعات خود را درباره رهبری سازمان در اختیارشان بگذارند، یا در صحنه تلویزیون حاضر شده و به جعلیاتی اعتراف بکنند که مقامات امنیتی علیه حزب و سازمان ساخته و پرداخته‌اند.

هم‌اکنون مقدمات یورش آشکار به سازمان به پایان رسیده است، چندی پیش اعلامیه‌هایی بنام سازمان و با جعل امضای کمیته مرکزی ما انتشار یافت که در آن سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به اقدام برای براندازی، انجام چند فقره عملیات مسلحانه و اقدام برای ترور بلندپایه‌ترین مقامات جمهوری اسلامی ایران متهم شده است. قبل از یورش آشکار به حزب توده ایران نیز چنین اعلامیه‌هایی بنام حزب و با جعل امضای کمیته مرکزی آن انتشار یافته بود.

راست اینست سازمان ما که همچنان با حفظ انتقادات جدی خود به قانون اساسی در راه عمل به آن و اجرای اصول مردمی و ترقیخواهانه قانون اساسی جمهوری اسلامی مبارزه می‌کند، تحت شدیدترین پیگردا قرار دارد، اعضا و هواداران سازمان تنها بجرم دفاع از انقلاب و مبارزه در راه تحقق آماج‌های انقلاب بازداشت می‌شوند. راست اینست که همه آزادیهای سیاسی مصرحه در قانون اساسی مدت‌هاست که در میهن ما

در هفته ای که گذشت:

تشدید وابستگی به امپریالیستها!

" بحمد الله همه چیز ایران جا افتاده است و ما وابستگی نداریم " (کیهان ، ۲۸ آبان ۶۲)

این "بیانات" در زمانی گفته می شود که طبق اطلاع خبرگزاریها و اطلاعات موثقی که از محافل اقتصادی و بازرگانی ایران می رسد مناسبات ایران با کشورهای امپریالیستی غرب در حال گسترش سرسام آوری است .
به نوشته نشریه آمریکایی " اخبار خاور میانه " تنها " صادرات ایالات متحده آمریکا به ایران در ظرف ۹ ماه گذشته ۸۱٪ افزایش یافته و از ۸۰ میلیون دلار به ۱۴۵ میلیون دلار رسیده است " . بر طبق اخبار این نشریه " طی این مدت ، صادرات نفت ایران به آمریکا چندین برابر افزایش یافته و از ۳۶ میلیون دلار به ۷۶۰ میلیون دلار بالغ شده است " . این نشریه به نقل از مقامات دولتی ایالات متحده آمریکا همچنین می نویسد:

" این آمار جنبه ظاهری دارد و در حقیقت مبادلات بازرگانی دو کشور ، دهها برابر از آمار رسمی بیشتر است " .
بر طبق نظر نمایندگان انحصارات امپریالیستی ، ایران پر رونق ترین کشور برای سرمایه گذاری در شرایط فعلی در منطقه است . مسافرت ها و دید و بازدید های نمایندگان کنسرنها و انحصارات و شرکت های امپریالیستی از ایران برای بازاریابی و از سر گرفتن پروژهای گذشته ، فروش کالاهای بنجل به ایران و کسب سود سرشار و غارت مردم میهن ماست . در این دیدارها دلالان و واسطه های ایرانی آنها نیز نقش مهمی را ایفا می کنند .

روزنامه " فرانکفورتر آلگماینه تسایتونگ " در تاریخ ۲۶ آبان خیز دیدار نوب ، سفیر سابق ج ۱۰۱۰ در بن را با مایر لاندروت ، معاون وزارت امور خارجه آلمان فدرال درج کرده است . مایر لاندروت در این دیدار ضمن تجلیل از زحمات نوب ، در برپا نگاه داشتن مناسبات اقتصادی میان دو کشور ، در دوران سخت گذشته " یاد آور شده که مناسبات میان دو کشور به نحو چشمگیری گسترش یافته است . در این گزارش روزنامه سرمایه داری بزرگ آلمان فدرال ، اشاره شده است که مناسبات میان آلمان فدرال و ایران بهتر از روابط ایران با تمام کشورهای غربی و شرقی اروپاست . طبق گزارش این روزنامه ، صادرات آلمان فدرال به ایران در سه ماه اول سال جاری به رقم ۳/۴ میلیارد لک رسیده است و دورنمای افزایش آن تا میزان ۵ میلیارد لک تا پایان سال جاری مسیحی وجود دارد . آیا مناسبات اقتصادی گسترده ای که بین

این دو کشور برقرار است باعث وابستگی اقتصاد ناتوان ایران به این کشور بر قدرت امپریالیستی نمی شود؟ آیا ایران به یک کشور بر قدرت امپریالیستی شده در کشورهای امپریالیستی ، از جمله آلمان فدرال بدل نشده است؟!

بررسی این واقعیات از عقب روند بازگشت به دامان امپریالیست ها ، پی برده بر می دارد . تنها عملکرد چند ماه گذشته ج ۱۰۱۰ ، به ویژه بعد از یورش سبانه به حزب توده ، ایران و سایر نیروهای انقلابی ، در جهت تشدید وابستگی اقتصادی شان می دهد که سرمایه داری انحصاری غرب احسب دارد که به آینده خود در ایران امیدوار باشد .

معضله گرانی و

تشویق بخش خصوصی

در هفته ای که گذشت ، مسئله گرانی و احتکار ، اوضاع بسیار نابسامان توزیع کالا در سطح کشور ، و چپاولگری تجار بزرگ بازاری یکی از مسائل عمده مورد بحث بسیاری از سردمداران حاکمیت ج ۱۰۱۰ ، در مجلس و خارج از آن بود . از جمله حجت الاسلام محمد فاضل ، نماینده بابل در جلسه مجلس شورای اسلامی گفت ، مردم ما " مشکلاتی مانند گرانی و عرضه نشدن اجناس موجود و سو توزیع ... که گوی محرومان و مستضعفان کشورمان را به سختی می قشرد ، هرگز تحمل نخواهند کرد . مخصوصا اجناس دولتی فراوان و با قیمتی دهها برابر به فروش می رسد . (این عمل) دولت که تا کنون هیچ فکری در بارمان (بازار سیاه) نکرده است و هیچ قدمی برنداشته است ، چگونه توجیه می شود ؟ آیا وزیر محترم بازرگانی ... تا کنون قدمی در راه ایجاد تحول اساسی و بنیادی برداشته است ؟ (اطلاعات - ۲۵ آبان) .

حجت الاسلام فاضل هرندی نیز طی یک مصاحبه مطبوعاتی با روزنامه اطلاعات نقطه نظرات خود را پیرامون معضلات کشور با برآز داشت . وی در این مصاحبه از جمله گفت :
" با وجودی که گرانی سرسام آور و تسورم بی حد و مرز است ؛ و اگر چه باید با تروریست های اقتصادی " به مبارزه برخاست ، منتها دولت هم در یک شرایطی نیست و امکاناتی ندارد که روی تمام کالاهای مورد نیاز مردم نظارت تام داشته باشد و کانهایی انحرافی را سد کند . این یک دستگاه بسیار قوی می خواهد " (اطلاعات ۲۳ آبان) .

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی نیز طی دیدار با وزیر بازرگانی به مسئله گرانی و تسورم اشاره کرده و گفت :

" گرانی همعاش تورم نیست " ، این تورم به آن اندازه ای که اجناس به مردم می رسد ،

نیست . این تورم ظالمانه است !

وی در ادامه سخنانش می افزاید :

" ضعف سیستم توزیع و نبودن برنامه حساب شده ، عامل ایجاد تورم زیاد است . شما می دانید اگر این وضع وجود داشته باشد ، مردم عادی نمی توانند این وضع را تحمل کنند . بسا نیاز های مادی مردم نمی شود بازی کرد " .
آقای رفسنجانی می گوید :

" حال که عده های عادت کرده اند به دزدی و چپاول ، ما آماد ما هم با آنها مبارزه کنیم " . البته برای به اصطلاح " مبارزه " با آنها وی پیشنهاد بیشتری ندارد جز این که " باید بخش خصوصی را فعال کرد " ، و دل خوش می کند و برای بخش خصوصی شرط هم قائل می شود ، که " به شرط آنکه (بخش خصوصی) به حق (!) خود قانع باشد " . و با دهن خطبه های " عدالت اجتماعی " خود معتقد است که " بخش خصوصی " کاملاً (!) باید در میدان باشد . (زیرا) آزادی در تجارت از اصول اولیه ما است (!) و ادامه می دهد :

" از تجزیه و همکاری آنها (تروریست های اقتصادی) باید استفاده کرد و با این اطمینان صریح و روشن ، دست به دست یکدیگر داده تا سرعت (احتکار و غارت) بیشتر شود " (اطلاعات ۲۲ آبان) .

سردمداران ج ۱۰۱۰ که ۵ سال گذشته را به اتلاف وقت در راه حل این معضله بزرگ صرف کرده اند ، اکنون به این نتیجه می رسند که تنها راه حل از میان برداشتن این " معضله " سپردن تمام کارها به بخش خصوصی و تبدیل این بخش به " منجی " مردم از معضلی است که کمر زحمتکشان را خم کرده است . بخش خصوصی که باید " در میدان باشد " خود ، سبب وخامت اوضاع اقتصادی کشور و غارت بیت المال است و جیب تهی زحمتکشان است . آری آزادی در تجارت ، یعنی آزادی در غارت مردم !

" صنایع ملی شده ، زبان آور نیست "!

چندی پیش مدیر عامل و مسئولان سازمان صنایع ملی ایران ، با مهندس موسوی نخست وزیر دیدار و گفتگو کردند .
در ابتدای این دیدار آقای شافعی گزارشی کوتاهی پیرامون اوضاع صنایع ملی ایران ، ترکیب این صنایع و میزان تولید و چگونگی کارکرد واحد های تولیدی ملی شده بیان داشت . وی در گزارش خود از جمله گفت در سال ۶۱ که عملکرد مالی آن هنوز دقیقاً روشن نشده صنایع تحت پوشش این سازمان ، حتی با احتساب بهره بدکاری این واحدها به بانک ها مطلقاً " ضرر نکرده اند " . این مطلب نشان می دهد ، به رغم ادعاهای محافل که در راه بازگرداندن صنایع ملی شده به بخش خصوصی کوشش می کنند ، واحدهای صنعتی و تولیدی تحت مدیریت دولت بهیچ وجه زبان آور نیستند .

بقیه در صفحه ۱۳

دوره‌های که گذشت:

منافع کودتاگران ترکیه یار رژیم عراق

«انتقاد»، یافریب

بقیه از صفحه ۱۲

آقای شافعی در این دیدار، فشرده‌های از مشکلات صنایع ملی ایران را به اطلاع آقای نخست وزیر رساند، که عمده ترین آنها بدین قرارند:

«توقف قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران و عدم تعیین تکلیف مالکیت این واحد هاه که طبق گفته آقای شافعی، فشارهای زیادی به کارکنان این سازمان و واحد های شاغل در آن وارد می-سازد - عدم وجود قانون کار، تعریف نشدن نظام مدیریت، وابستگی شدید صنعتی کشور منجمله کارخانجات صنایع ملی ایران، که به خاطر مصرفی بودن تولیدات از وابستگی بالایی برخوردارند - هم در عرصه ماشین-آلات و هم مواد اولیه - مشکلات حمل و نقل که حتی در نهایت باعث بروز انحرافات گشته است و تورم پرسنلی در رشته خدمات...»

مطالبی که آقای شافعی به عنوان مشکلات صنایع ملی ایران معرفی کرده است، در واقع بخشی از بند هایی است که به پای انقلاب بسته شده تا از اجرای آماجهای اصلی آن جلوگیری شود - عدم حل این معضلات بحران انقلاب را موجب گشته است.

پاسخی که آقای نخست وزیر به مسئولین سازمان صنایع ملی ایران داد، نکته تازه‌ای در خود نداشت و گفته‌های گذشته ایشان است. آقای نخست وزیر گفت:

«بحث بسیار مفصلی که در رابطه با مسئله مالکیت الان در سطح جامعه مطرح می باشد و نیروهای زیادی دست اندرکارند که این مسئله را تحریف نمایند و تلاش وسیعی هم می شود که تعریف روشنی بدست آید»

این پاسخ، که مظهر بی برنامه گی و سردرگمی سازشکاران و نتیجه منطقی دنباله روی آنها از منافع کلان سرمایه داران است، برای زحمتکشان میهن ما هشدار بزرگی است.

در کنار این بحث ها و کوششهایی که می-شود، واقعیت زندگی بازگو کننده حقایق دیگریست. واقعیت حاکی از تشبیه مالکیت سرمایه داری، تحکیم حاکمیت سرمایه داران و خزش سنگر به سنگر راستگرایان حامی سرمایه داری به تمام مواضع انقلاب است. در رهنمود هائی که آقای نخست وزیر در پاسخ به مدیر عامل سازمان صنایع ملی ایران داده است هیچگونه رهنمود مشخصی که حداقل، اتفاق حل این مشکلات را روشنتر سازد وجود نداشت.

تمامی این واقعیات نشان می دهد، که سه عملکرد دولت، نه در جهت حل این مشکلات، نه در جهت حفظ و گسترش این صنایع بلکه در جهت عکس آن یعنی ضربه زدن به ریشه این صنایع ملی است، سیر می کند. طفره آقای نخست وزیر از دادن پاسخ صریح به مسئولین صنایع دولتی در زمینه حفظ صنایع ملی شده، شاهد این مدعای ماست.

حجت الاسلام خامنه‌ای، رئیس جمهوری اسلامی ایران طی مباحثاتی با خبرنگاران مطبوعات خارجی، مطالب مهمی پیرامون مواضع ج ۱۰۱۰ در موارد گوناگون ایراز داشت.

آقای رئیس جمهور در پاسخ به سؤوال خبرنگاری از ترکیه که پرسیده بود:

«نظر ج ۱۰۱۰ پیرامون به خطر افتادن صدور نفت عراق به ترکیه که در صورت فتح کرکوک از طرف نیروهای نظامی ج ۱۰۱۰ صورت خواهد گرفت، چیست؟ و آیا ج ۱۰۱۰ منافع ترکیه را تضمین می کند؟» گفت:

«کشور ترکیه کشور دوست و برادر ما است و منافع این کشور برای ما حائز اهمیت است و این منافع نیایستی مورد تهدید قرار بگیرد و البته مورد تهدید هم قرار نخواهد گرفت».

بر کسی پوشیده نیست که موضع دولت ج ۱۰۱۰ در برابر حکومت کودتاگران فاشیست در ترکیه موضعی دوستانه و در جهت برقراری مناسباتی گسترده و همه جانبه اقتصادی سیاسی تا اطلاعاتی است؛ به رغم آنکه کودتاگران ترکیه، از همان آغاز به قدرت رسیدن نشان موضعی خصمانه نسبت به انقلاب ایران اتخاذ کردند، این پاسخ آقای رئیس جمهور با توجه به این روابط موجود، پدیده تازه‌ای نیست. اما نکته دیگر و جالبی که در این پاسخ نهفته اینست که لوله نفتی عراق به ترکیه تنها راه صدور نفت عراق به خارج است و این لوله نفتی، به مثابه شاهرگ رژیم صدام و رژیم عراق، بخش قابل ملاحظه‌ای از درآمد خود را، از این طریق تأمین می سازد. در واقع حفظ این لوله نفتی حفظ منافع صدام و کمک علی به ابقای این رژیم است.

به همین دلیل است که مردم می پرسند: کسانی که از صبح تا شام به رژیم عراق می تازند، آن را «عامل امپریالیسم آمریکا» و «میوینیسیم بین المللی» معرفی می کنند، به بهانه مبارزه با این عامل «کرفو» و سرنگونی آن، زندگی را به مردم «حرام کرده اند» و جان و مال وهستی شان را در خطر شبانه روزی ناپودی قرارداده اند... اکنون چگونه اطمینان می دهند که شاهرگ اقتصادی عراق را «حفظ» خواهند کرد؟ چگونه این تناقض را حل می کنند؟!

این تناقض گوئی های رئیس جمهور چه علتی دارد؟ چرا او با این صراحت واقعیت را وارونه جلوه می دهد؟

واقعیت اینست که «حفظ» منافع ترکیه حفظ منافع ناتو، تأمین منافع امپریالیسم سردمداران ج ۱۰ این اطمینان را نه به ترکیه، بلکه به اعضای ناتو - که از طریق این لوله نفتی تغذیه می کنند - ارائه کرده اند. راست گرایان و تسلیم شدگان ج ۱۰ یکبار دیگر، ناتو و امپریالیسم آمریکا را آسوده خیال می سازند، که آنان قصد به خطر انداختن «منافع» شان را ندارند. به گفته آقای خامنه‌ای:

«این منافع نیایستی مورد تهدید قرار بگیرد».

آنان فعالانه می کوشند منافع امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، راه سازش با آن را هموار بیاخته سازند، منافع ناتو، منافع کودتاگران ترکیه... تأمین کنند.

بقیه از صفحه ۱۵

تحملی که خود در پیچود آمدن آن، سرمایه دارند، در واقع نیازها و خواسته های مردم را «وجه المصلحه» قرار می دهند تا توشه های برای فردای خود داشته باشند!

آنان که از این مخالف خوانی های سازش-کارانه، هدفی جز سرگرم کردن مردم را دنبال نمی کنند، آنان که بر آنتند در جامعه بحران زده ما، ادای اقلیت های معترض - اما دنیاله - رو در حکومت های بورژوازی را در بیآورند، تا مردم را با سراب های واهی بفریبند، آنان که «بخش های خصوصی» را به «میدان داری» دعوت می کنند، آنان که در برابر «ذبح شرعی» کردن قانون اساسی در عرصه های عمل، ساکت باقی می مانند، آنان که در مقابل بیرون راندن دهقانان از سرزمینهای آباد اجدادی خود، در مقابل نقض حق قانونی تشکیل کارگران سکوت اختیاری می کنند و در سرکوب حزب توده ایران، یعنی استوارترین نیروی که تأمین خواستها و نیازهای مردم را برنامه کار و پیکار خود قرار داده است، شرکت مستقیم و تشویق کننده داشته و دارند، چگونه می توانند با این «انتقادات» مردم را بسه فردای برآورده کردن نیازهایشان امیدوار سازند؟

کسانی که بر اعمال شکنجه های موحش در مورد زنان و مردانی که همه عمر برای تأمین منافع حصره مان رزمیده اند، صحنه می گذارند، بسط «چشمبان» خود، پیکرهای خرد شده و خونین آنان را در شکنجه گاه ها دیده ماند و با «گوش های» خود درباره «رفتار اسلامی» بسا زندانیان شنیده ماند، دیده ماند و شنیده ماند که پیر مرد های سپید موی را با کابل های شلاق «ارشاد» می کنند، زنان و دختران زندانی را با «عقین تریپل» اعمال ضد انسانی، «تهدیب» می کنند، پوست تنشان را با شیوه های سنتی می - کنند تا به نقاط آسیب دیده، پیکر مجروحین جنگی پیوند بزنند، خونشان را تا مرز بیپوشی می گیرند و... آری کسانی که این جنایات را شاهدند و «داستان» این فجایع را می - شنوند و دم نمی زنند، چگونه می توانند به آرمان ها و خواسته ها و نیازهای مردم جامعه عمل بیوشانند؟! آنانکه خود باد امن زدن به ملی گرایی عظمت طلبانه وادامه جنگ مخالف منافع خلقهای ایران و عراق را نفوذ هر چه بیشتر امپریالیسم آمریکا در منطقه هموارتر می سازند، چگونه می توانند از منافع ملی خلقهای میهن ما دفاع کنند؟

بحران در جمهوری اسلامی، بحرانی عمیق است که سرپای جامعه و حاکمیت را در بر گرفته است. انقلابیون راستین، هواداران سو-سیالیسم علمی و دیگر دگراندیشان ضد امپریالیست و وظیفه دارند عمل و عوامل این بخیران را با روشنی و صراحت تمام برای مردم محروم و ستم دیده ما باز گویند. به مردم بگویند که سرچشمه این بحران در چرخش به راست بهمن ماه ۱۳۶۱، در تسلیم به منافع امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، ارباب و

بقیه در صفحه ۱۶

"شورای اسلامی کار" یا ...

بقیه از صفحه ۴

فرمایان "در این طرح نیز، کمتر از "حاکمیت مطلق" وزارت کار نیست!

پیشتر هنگام بررسی ماده ۲ که مرجع تشخیص صلاحیت کاندیداهای ضمیمه در "شوراها" ... را مشخص می‌ساخت، اعضای "شوراهای اسلامی کار" را - که طبق نظر طراحان "طرح" ... جمع کارکنان "نامیده می‌شود - معرفی کردیم: "کلیه کارکنان ... از کارگر تا مدیر ... حال به بررسی اعضای "شورای اسلامی کار منطقه" که مرجعی بالاتر از "شورای اسلامی کار" هر واحد است و "حق رسیدگی به شکایت کارگران نسبت به شورا" - بند ۳ م ۲۵۰ - نیز از جمله وظایف آنست، می‌پردازیم. طبق م ۲۴۰: "اعضای شورای اسلامی کار منطقه عبارتند از: الف - سه نفر از نمایندگان شوراهای اسلامی کار به انتخاب شوراهای واحد های منطقه / که می‌توانند "کارگر" نباشند، زیرا تصریح نشده است - / ب - سه نفر از مدیران واحد های منطقه به انتخاب خود آنان - (مدیران می‌توانند نمایندگان خود را، انتخاب کنند، ولی حضور کارگران برای شنیدن شکایت کارگری از شورا - یعنی اقدامات مدیریت - الزامی نیست!) - ج - یک نفر نماینده از وزارت کار و امور اجتماعی! یعنی طبق مفاد این ماده همین مرکب از ۷ مدیر نماینده وزارت کار، در کمال انصاف و عدالت، به شکایت یک کارگر پیرامون تخلفات همان مدیران و یا "همکارانشان"، رسیدگی می‌کنند! البته که نتیجه از پیش معلوم است!

اعضای شرکت کننده در "شورای عالی اسلامی کار" نیز، همین ترکیب را دارد. طبق مفاد م ۲۷، تمامی ۱۱ نفر این شورا را نمایندگان مدیران و دولت و وزارت خانه های مربوطه و اطاق بازرگانی و صنایع و معادن تشکیل می - دهند.

به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت تمامی کوشش طراحان "طرح تشکیل شوراها" ... در جهت تبدیل شوراها به ارگانه های دولتی یا شبه دولتی و "کارفرمایان" انجام گرفته است.

۳- مسخ و تهی ساختن مضمون مترقی اصل ۱۰۴ قانون اساسی - برای بررسی این بخش، توجه به خواست و نیت تدوین کنندگان این اصل قانون اساسی، ضروری است. در ابتدای اصل ۱۰۴ می‌خوانیم: "به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه ها و ایجاد هم - آهنگی در پیشرفت امور در واحد های تولیدی ... شوراهای ... تشکیل می - شود".

یعنی وظایفی که برای "شوراهای واحد های تولیدی در نظر گرفته شد در چارچوب مشخص و بنا بر نمی‌صریح اصل ۱۰۴ به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه های واحد های تولیدی و ... پیشرفت امر تولید است که باید با نظارت و اداره شوراهای صوت گیرد.

حالا ببینیم تدوین کنندگان طرح چه "وظایفی" برای این شوراها، در نظر گرفته اند:

وظایفی که م ۱۳۰ و م ۱۹ این طرح برای شوراها در نظر گرفته، در ۳ بخش خلاصه می‌شود:

۱- وظایف ارشادی از قبیل: الف / ایجاد روحیه همکاری بین کارکنان هر واحد ... ب - همکاری با انجمن اسلامی در بالا بردن آگاهی کارکنان در زمینه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی ... ج - بالا بردن آگاهی کارکنان در زمینه های اقتصادی، فنی و ...

۲- وظایفی که طبق اصل ۲۶ قانون اساسی، به عهده "انجمن های صنفی و طبقاتی کارگران گذاشته شده (و ما پیشتر از آن یاد کردیم)

۳- وظیفه شورایی: / نظارت بر امور واحد به منظور، اطلاع از انجسام صحیح کار و ارائه پیشنهاد سازنده به مسئولین مربوطه ...

در واقع این تنها وظیفه ای است که "طرح تشکیل شوراها" ... با الهام از اصل ۱۰۴ قانون اساسی، برای شوراها در نظر گرفته ولی چون این حق اندک هم، به مذاق "مدیران" و "کارفرمایان" خوش نیامده است، دامنه آن را به حدود "اطلاع" تحدید کردند! با این حال "مدیران" و "کارفرمایان" "محترم" و "مبالغ" تصریح می‌کنند، بلافاصله بعد از این بند وضع کرده اند که یکی خاصیت وجودی همین ماده می‌رق را نمی‌کند: "تیمبره - اعمال نظارت شورا، نباید موجب توقف امور واحد گردد" - به عبارت دیگر مدیران می‌توانند در هر لحظه ای که "مسئله" بداندند یا پیشنهادات و اعمال نظارت "کارگران به پیمانته جلوگیری از توقف امور واحد" مخالفت کنند.

به این ترتیب وظایف "شوراها" ... طبق مفاد "طرح" ... در برقراری ناپسندیده یکس و فروش کتاب های مشخص و بخش مراسم سخنرانی های معین خلاصه

می‌شود.

حدود و شمول اجرای "طرح" ...

طبق مفاد م ۱۵، وزارت کار موظف است "در واحد هایی که بیش از ۳۵ نفر شاغل دائم دارند" به تشکیل شورا اقدام نماید.

حال بگذریم از اینکه میلیون ها کارگر و زحمتکش، در کارگاه های پیشه وری کوچک (آهنگری - نانوايي) - که کمتر از ۳۵ نفر شاغل دارند - به کارهای توانفرسا مشغولند و گرفتار شد بدترین نوع استثمار، به معنای قرون وسطایی آنند و طراحان این "طرح" ... کوچکترین "منایستی" در حقشان روا نداشته اند، و آنها را از شمول قانون اساسی بیرون گذاشته اند ... اگر از همه اینها بگذریم به تیمبره، بلافاصله همین ماده می‌رسم که سرنوشت این "شوراهای" نیم بند را هم - یکبار دیگر با نقی و تعطیل کردن اصول قانون اساسی - بدست پرستوان "شورای عالی کار" می‌سپارد و تصریح می‌کند:

"زمان تشکیل شوراها، در شرکتهای بزرگ دولتی از قبیل شرکت های تابعه وزارت نفت، شرکت ملی فولاد ایران، شرکت ملی صنایع مایرمان، بر اساس این قانون به تشخیص شورای عالی اسلامی کار خواهد بود." (ما به ترکیب اعضای "شورای عالی کار" طبق مفاد م ۲۷۰ - در بررسی من، بخش ۲ اشاره کردیم.) یعنی "شورای عالی اسلامی کار"، مرجعی بالاتر از "مجلس شورای اسلامی" است و هر چند که این مجلس، طبق تبصره ۲ م ۳۰ همین طرح، "وزارت کار" را موظف کرده ۳۰ ماه پس از تصویب این "طرح" ... در تمام واحد هایی که بیش از ۳۵ نفر شاغل دائم دارند، "انتخابات را آغاز کنند"، شورای عالی اسلامی کار، می‌تواند، در بزرگترین و صنعتی ترین تأسیسات ملی، اجرای اینس قانون را بنا "به تشخیص" خود - و بدون هیچ چابکدستی و معیاری - به تعویق اندازد و بخش بسیار عظیمی از کارگران صنعتی ما را از داشتن این حق نیم بند "بیشتر محروم سازد".

دایره "حدود و شمول این قانون، به همین جا محدود نمی‌شود! طبق م ۹ "ساعاتی که اعضای شورای اسلامی کار به وظایف شورایی مشغول هستند، جز" ساعات کار آنان محسوب می‌گردد." - چنین فرض شده که این "طرح" ... در واحد های تولیدی، صنعتی و کشاورزی ... که در اختیار "بخش خصوصی" است نیز قابل اجراست. ولی در هیچ یک از مواد این "طرح" ... بندی تصریحی وجود ندارد که "کارفرمایان" محترم "را به رعایت مفاد این ماده ملزم سازد". یعنی برای کارفرمایی که به عناوین مختلف، حتی از پرداخت حق بیمه کارگرانش شانه خالی می‌کنند، پرداخت حقوق کارگران اعضای شورا به عنوان یک وظیفه و قانون لازم الاجرا تثبیت نشده است. البته که هیچ کارفرمایی حتی از نوع "محترم" و "صالح" شان هم، چنین "زیانی" را متحمل نمی‌شود! و قطعاً در قسرداد "اسلامی" ای که با "مال الاجاره" خود، یعنی همان کارگر "ستون انقلاب" منعقد می‌سازد، تصریح می‌کند که او فقط در ازای انجام کار، مزد می‌برد و پس از آن سوی دیگر، طراحان ضد کارگر خوب می‌دانند، وقتی کارگران "هزینه" معیشت زندگی شان را تأمین نمی‌کنند، تمایل چندانی به فعالیت برای تشکیل شورا و شرکت در آن از خود نشان نخواهند داد و عرصه برای تاخت و تاز "مجمع کارکنان"، یعنی "مدیران" و "کارفرمایان" کاملاً خالی خواهد ماند و آنان به دلخواه "اسب مراد" را به تاخت و خواهند داشت!

اگر نیت طراحان این "طرح" ... واقعا خیر بود و اگر تدوین و تصویب کنندگان آن، قطعاً خواهان برپائی شورایی واقعی بودند، می‌توانستند با استفاده از تجربه کارگران و نمونه های شوراهای واقعی ایجاد شده - که مشت محکمی هم به دهان وزیر کار سابق و پیش‌نویس ضد کارگری قانون کار او زدند - و افسوزدن تصریحی که حقوق اعضا "شورا" را از جانب دولت، تأمین شده اعلام کنند، تشکیل شورا های اصلی و واقعی و منطبق بر مشخصات اصل ۱۰۴ قانون اساسی را در واحد های زیر کنترل بخش خصوصی نیز ممکن سازد و یا گنجاندن مواد لازم در "طرح قانون" ...، پشتیبانی "تولدت مستضعفان" را از منافع کارگران ملی سازد.

بررسی این "شرح" و مواد آن هنوز کامل نیست. اجحافات و حق گسی هائی که در این "طرح" ... در مورد کارگران، به صورت مواد قانونی در آمده - بیش از اینهاست. اما به همین مختصر بسنده می‌کنیم. چرا که در این چارچوب نیز می‌توان دریافت، خانه از پای نیست ویران است!

کارگران و زحمتکشان ایران که ۵ سال پس از انقلاب، ثمرات و مزایای تشکیل و گرد آمدن در انجمن های صنفی - شورایی خود را با تجربه شخصی خویش دریافتند، بهتر از هر کس، حتی طراحان "ماهر" "طرح تشکیل شوراها" ... و تصویب کنندگان آن می‌دانند، در چنین "مجامعی"، به تنها اموری که رسیدگی نمی‌شود، امر کارگران و تنها خواستی که برآورده نمی‌شود، خواست آنان است. آنان به خوبی می‌دانند که از طلا تشخیص می‌دهند! و فریب اسامی و عناوین را هم نمی‌خورند. به قول کارگر یا تجربه ای: این شوراهای اسلامی کار است یسسا شوراهای اسلامی سرمایه؟!!

«انتقاد، یافریب»

بقیه از صفحه ۱

اجتماعی کشور ما مسلط سازند. پرچمداران تسلیم در برابر راستگرایان و امپریالیسم، مشکلات جامعه را ناشی از خرابکاری های رژیم گذشته، "خوی کوخ نشینی" در جامعه و جنگ می دانند. آنان به مردم اطمینان می دهند که با ادامه سیاست تسلیم در برابر امپریالیسم و کلان سرمایه داران وابسته و بزرگ مالکان، و ادامه تلاش برای از بین بردن "خوی کاخ نشینی"، همه مشکلات مردم را حل خواهند کرد. تنها اندکی وقت لازم است! رئیس جمهور از مردم می خواهد تنها "بیست سال" ناقابل دیگر صبر کنند. "وحدت خود را حفظ کنند" (سخنرانی در بندریاس)، "مبارزه طبقاتی را دامن نزنند" (سخنرانی در کنگره شوراهای اسلامی کارگری) و دستورات اسلامی را بی چون و چرا اجرا کنند (نماز جمعه تهران) و مطمئن باشند که بالاخره کارها رو براه خواهند شد.

در این میان دولت و تنها به اقداماتی دست می زند که در برابر آن ها مانعی وجود نداشته باشد. یعنی تحکیم و تثبیت منافع سرمایه داران و زمینداران بزرگ. "مشکلات عدیده" ای که بر سر راه اقدامات بنیادی به سود "مستضعفان" وجود دارد، "مانع از انجام هر گونه عملی است". این "مشکلات ناشی از" نداشتن قانون درباره زمین، تعیین حدود بخش خصوصی و دولتی و تعاونی، و نیز یک نظام مالیاتی نوین است. (نخست وزیر، مصاحبه با اطلاعات - ۲۳ آبان ۶۲)

قانون را مجلس باید بگذراند. اما قوانین مردمی که مجلس گذرانده است به چسب نوشتنی گرفتار آمده اند؟

در رابطه با مسأله زمین، می دانید که یک طرحی در مجلس تصویب شده که شورای محترم نگهبان، شانزده اشکال به این طرح ذکر کرده و، متأسفانه با آنکه تلاش بسیار کردیم تا بتوانیم راهی پیدا کنیم بجایی نرسیدیم (فاضل هرندی، رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس، اطلاعات ۲۳ آبان ۶۲). همه می دانند که قانون ملی کردن تجارت خارجی نیز با اشکالات شرعی "شورای نگهبان

کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی روبرو شده است. پشت سر شورای نگهبان چه کسی ایستاده است؟ رهبری جمهوری اسلامی ایران، چنانکه شاخص همه بحران ها و وضعیت های حساس است، جستجوی راه برون رفت از این بحران به تسلسلی باطل ختم می شود.

در هفته های اخیر جناح سازشکار حاکمیت، شخصیت هایی که بیشتر از سازش با راستگرایان و تسلیم طلبان، گرایشات ضد امپریالیستی و خلقی حاکمیت را تقویت می کردند و امروز دنباله رو سازش و آرایشگر زشتی ها و ناپسانمانی های حاکمیت اند، بر انتقادات خویش از نمادها و مظاهر مختلف بحران اجتماعی و سیاست های بحران زای حاکمیت افزودند. این انتقادات اغلب نارسا و ناقص، متزلزل، جیسونمانه از سر سازشکاری است؛ در سطح باقی می ماند، ریشه های بحران را افشاء نمی کند و راه برون رفت را به مردم نشان نمی دهد.

گروهی از نمایندگان مجلس، که وزیر کشور را استیضاح کرده اند، در حالیکه فهرست طویلی از تخلفات تنگین آقای وزیر را بر می شمارند، اعلام می کنند:

"استاد و مدارک قابل توجهی در اختیار است. ما مصلحت چین دیدیم که مقدار کمی از آنها را در متن استیضاح عنوان کنیم!"

نتیجه این مصلحت اندیشی های سازشکارانه، ابقای وزیر کشور است، که در آینده "نزدیک سازمان دهند انتخابات مجلس شورای خواهد بود. نمایندگان مصلحت اندیشی، مجلس می توانند در انتظار عواقب این سازشکاری در انتخابات حوزه وکالتی خود باشند.

آیت الله جنتی ضمن تشویق استیضاح کنندگان می گوید: "این استیضاح آثار و برکات فراوانی داشت."

اما توضیح نمی دهد که اگر افشای کارنامه سیاه یکی از پرمسئولیت ترین وزرای کابینه "برکت" است، مردم یا ابقای ایشان و دیگرانی که به گفته "ایشان": "ساکت و آرام مملکت را تلاشی می کنند" چگونه برخورد کنند؟

ایشان به مردم نمی گویند اکثریت نمایندگانشان مجلس، تحت فشار چه نیروها و به پیروی از چه سیاستی، به ابقای آقای وزیر رأی داده اند! آیت الله جنتی می گوید:

"شما خیالی می کنید یا ماهیت آمریکا آشنا شده اید؟ (آ) آمریکا یک عنصر خطرناکی در جهان است. جنایت هایی می کند که باورکردنی نیست. امروز به جز برخورد قاطع با آمریکا و دیگر قدرت های استعماری، هیچ راهی برای مستضعفین نیست" (کوهان، ۲۲ آبان ۶۲). اما مخاطب ایشان، همچنان مجهول - البویه باقی می ماند. چه کسانی در حاکمیت ج ۱۰ در شناخت "ماهیت آمریکا" دچار توهم اند؟ چه کسانی با "برخورد قاطع" یا "شیطان بزرگ" مخالفند و سازش و نرمش با آمریکا را به رویه رایج بدل کرده اند؟ رئیس جمهوری اخیر از "پختگی" امپریالیسم "هار" و جنایتکار آمریکا دم زده است. آیا مخاطب آیت الله جنتی، رئیس جمهوری اسلامی است؟! اگر چنین است، چرا اعلام نمی شود؟! حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی از گرانی سخن می گوید:

"این تورم ظالمانه است. مردم عادی نمی توانند این وضع را تحمل کنند. حال که عد های به دزدی و چپاول عادت کرده اند، آماد هایم با آن مبارزه کنیم" (اطلاعات، ۲۲ آبان ۶۲).

آیا آقای رفسنجانی واقعا آماد هاند با دزدان و غارتگران مردم محروم مبارزه کنند؟! پاسخ روشن است: در حقیقت هم آقای رفسنجانی و همسنگران ایشان که به مواضع حاکم راستگرایان تسلیم شده اند، که در برابر با زگشت جمهوری به دامان امپریالیسم سکوت کرده و می کنند، که سرکوب درگاندیشان مدافع انقلاب، توسط ارتجاع و امپریالیسم را تأیید و بران شرکت می نمایند، چگونه می توانند با دزدان و چپاولگران مبارزه کنند؟! ایشان در این آزمون رد شده اند! "انتقادات" سازشکاران دنباله روی راست - گرایان، اغلب در همین چار چوب محبوسند و گنجانده می شود. منتقدین "رفوزه" "نسا - پسا مانیهای جامعه، با بازگویی صرف مسائل و مشکلات بی پایان مردم، با انتقاد های بی پشتوانه از وضعیت بحرانی و غیر قابل بقیه در صفحه ۱۳

مسائل انقلاب و مواضع ما

بقیه از صفحه ۱۱

باعتاد تعلیق درآمده و هر امکانی که حتی در چهارچوب قانون نیم بند احزاب قانونا" ما باید در فعالیتهای خود از آن برخوردار باشیم، از ما سلب شده است.

این حقایق وقتی با سخن آقای دادستان سنجیده شود معنی جالبی پیدا می کند. سازشکاران جمهوری اسلامی از ما می خواهند که در برابر حنا - و خانت های که علیه انقلاب و مردم صورت می گیرد سکوت کنیم و در سکرها مان در حالیکه برجم سفید افراشته ایم تیرباران سوم، فدائیان خلق به چنین تنگی تن نخواهند داد... هزار بار تن نخواهند داد!

در پایان لازم است نکته مهم دیگری اشاره کنم، اخیرا"

مقامات امنیتی و انتظامی کشور اینطور تبلیغ می کنند که هرگاه تصمیم بگیرند می توانند سازمانهای سیاسی را نابود کنند و یا جلوی فعالیت آنها بگیرند. این حرف تقلید مضحکی از همان ادعاهای سازمان مخوف اطلاعات و امنیت شاه است که این بار از زبان مسئولان جمهوری اسلامی ایران شنیده می شود. من بسیار متأسفم که دوباره در کشور ما کسانی قدرت می گیرند که افغانا نیست که آنقدر مستبد و سفاک و زورگو هستند که مردم بدون اجاره آنها حق ندارند آب بخورند و اگر بخورند حتما "آنها مطلع خواهند شد! اما این ادعاها بهمان اندازه که تأسفناک و دردناک است دروغ هم هست. در اینجا درباره میزان ضعف و قدرت سازمانهای سرکوبگر حکومت قضاوت نمی کنم، روی این نکته تأکید میکنم که حتی در سبانه ترین شرایط پلیسی و فاشیستی باز هم می توان و باید از موجودیت و فعالیت حزب انقلابی، حزب طبقه کارگر در سطح کشور پیروزمندانه دفاع کرد و این یک اصل لنینی است.



کوشش برای تجزیه قبرس

پایتزد هم توامیر، رهبری جامعه، تسرک در قبرس اعلام کرد در شمال این جزیره که حدود ۱۰ سال پیش توسط ارتش ترکیه اشغال شده است، یک " دولت مستقل " تشکیل می شود. این عمل برخلاف تمام تصمیم های سازمان ملل متحد و به زیان تمامیت ارضی و استقلال و آرامش در قبرس است.

تردی نیست که این تجزیه طلبی پایه های کوشش برای حل عادلانه مسئله قبرس را سست خواهد کرد و وضع را در خود قبرس و منطقه بشه نحو خطرناکی بحرانی خواهد نمود.

قابل ذکر است این عمل ماجراجویانه درست هنگامی صورت می گیرد که امپریالیسم آمریکا در سراسر نقاط جهان، به و خامت اوضاع دامن می زند و کانونهای جدید درگیری و جنگ می آفریند. در تمام محافل ترقیخواه و صلح دوست بین المللی، اقدام رهبران جامعه ترک قبرس، به مثابه گامی به زیان اهالی ترک و یونانسی رُس و صلح و امنیت منطقه محکوم گردیده است.

امپریالیسم فرانسه ضرب شصت نشان می دهد

هوایمهای جنگی فرانسه طی حملات متعدد در منطقه ای واقع در شرق شهر بعلبک در لبنان، تن را با بمب های خود کشتند و ۱۵۰ تن را زخمی ساختند. امپریالیست های آمریکائی و فرانسوی و صهیونیست های اسرائیلی، انتقام انفجار مراکز نظامی خود را از زبسان و کودکان لبنانی و فلسطینی می گیرند. بی جهت نیست که دارو دسته اسحاق شامیر که در کشت و کشتار میان اهالی غیر نظامی ید طولائی دارد به مناسبت انجام این جنایت فجیح به مقامات فرانسوی تبریک گفته است!

این حملات توسط هوایمهای بمب افکن "سهر اتاندا" انجام گرفت. کیسه موافق فرمان شارل هرئو، وزیر دفاع فرانسه از ناسا و هوایمابر "کلمانسو" که اکنون در آبهای ساحلی لبنان مستقر است به پرواز درآمد.

اعتراض علیه رژیم پینوشه

روز جمعه گذشته در سانتیاگو پینوشه تظاهرات عظیمی بر پا شد که حدود یک میلیون تن در آن شرکت داشتند. این تظاهرات بنا به دعوت همه جنبش های مخالف دولت صورت گرفت. پلیس رژیم یروز پیش از انجام تظاهرات

و به منظور جلوگیری از اعتراض مردم ۲۱۹ نفر را بازداشت کرد. ضمن نیروهای امنیتی و پلیس کوشیدند با دست زدن به انواع توطئه ها، اهالی را دچار وحشت نمایند. از جمله قصد داشتند گروه های مزدور پلیس را با شعارهای افراطی به میان مردم بفرستند تا با انجام اعمال خشونت آمیز به دست پلیس بهانه بدهند. ولی سازمان دهندگان اعلام کردند که تظاهرات فقط با پرچم شیلی صورت می گیرد و در دست داشتن هر نوع پلاکارد دیگری به معنی "تحریک" است. با این همه پلیس بدون بهانه هم به تظاهرات مردم حمله برد و تعداد زیادی را مجروح و یک جوان ۱۸ ساله را به شهادت رساند.

«انتقاد، یافریب»

بقیه از صفحه ۱۳

تهدید مجلس، سلب حق قانونگزاری از نمایندگان مردم و واگذاری آن به شورای نگهبان کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی وابسته به امپریالیسم، سرکوب و زندان و شکنجه و اعتدال انقلابیون و میهن دوستان بی گیری که گناهی جز افشای توطئه مسخ انقلاب مردم نداشته اند، و در انتخاب راه بحرانزا، وابستگی آفرین و فلاکتبار سرمایه داری است. به مردم بگویند تا پایه طبقاتی حاکمیت و سیاست حاکم بر آن چنین است، آه و ناله راه بجایی نخواهد برد.

دولت ترکیه، جان مهاجرین سیاسی ایرانی را در آن کشور به خطر انداخته است!

در رابطه با این اقدام غیر انسانی دولت ترکیه، مراجع بین المللی و سازمانهای دموکراتیک و ترقی خواه دست به اعتراض زدند. از جمله جامعه حقوقدانان دموکرات آلمان و برلن غربی نامه اعتراضی به وزارت امور خارجه آلمان فدرال ارسال داشته اند تا بدین ترتیب از ادامه این عمل جلوگیری کنند. جامعه حقوقدانان دموکرات آلمان فدرال و برلن غربی در نامه اعتراضی خود، همچنین خواستار آن شده است که به ایمن مهاجرین سیاسی امکان سفر آزاد به کشورهای خود داده شود. وزارت امور خارجه آلمان نیز خواسته شده است تا اقدامات جدی در زمینه پذیرفتن عدای از این افراد، به عنوان پناهنده سیاسی به آلمان فدرال سازمان داده شود.

کمیته همبستگی ایران در آلمان فدرال نیز طی یک نامه اعتراضی به مقامات رسمی آلمان، رئیس جمهور، نخست وزیر، رئیس مجلس و نمایندگان مجلس آلمان فدرال، خواستار آن شده است تا مقامات آلمان فدرال برای آزاد ساختن آن مهاجرینی که برای بازگرداندن به ایران بازداشت شده اند، اقدام کنند و دولت ترکیه را زیر فشار قرار دهند و ترتیب مسافرت آنان را به کشورهای مورد نظر بدهند.

چنانکه از منابع موثق در ترکیه خبردار شد ما به هفته گذشته، تعداد کثیری از ایرانیانی که به خاطر پیگرد ها و تضییقات پلیسی مجبور به جلائی وطن شده و بسیاری مسافرت به کشورهای دیگر اروپایی در ترکیه به سر می بردند، توسط نیروهای انتظامی دولت کودتاگران فاشیست ترکیه دستگیر و تا کنون ۳۰ نفر از آنان به ایران بازگردانده شده اند. گزارشات دیگری حاکی است که دولت ترکیه موج جدید و گسترده تری از بازداشت و سپس فرستادن مهاجرین سیاسی ایرانی را آغاز کرده که بازداشت ۲۰۰ نفر دیگر در چند روز اخیر نمونه های از آن است. قابل ذکر است این اقدام دولت ترکیه زمانی آغاز شده است که دسته دسته انسان های مبارزی که با حکم شدن جو شدید خفقان و سرکوب و قرار گرفتن تحت پیگرد شدید پلیسی مجبور به ترک میهن می شوند و در عوض گروه های سلطنت طلب و ساواکی که جسو کشور را مناسب برای بازگشت خود یافته اند، گروه به ایران باز می گردند.

لازم به یادآوری است که ترکیه مدت طولانی پناهگاه ساواکیهای فراری از ایران بود و این دولت تمام امکانات و تسهیلات خود را در اختیار این جنایتکاران می گذاشت.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در سانفرانسیسکو هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

RAHE TUDEH

No. 69

Friday, 25. Nov 83

Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
1	Italy	600	L.
France	Fr. U.S.A.	50	Cts.
Austria	Sch. Sweden	3	Skr.

